



فصلنامه خانواده‌درمانی کاربردی

شناسایی شاخص‌های مشکلات زوجین ترکمن متقاضی طلاق

دانشجوی دکتری گروه مشاوره، واحد بجنورد، دانشگاه آزاد اسلامی، بجنورد، ایران
دانشیار دانشکده پرستاری و مامایی، دانشگاه علوم پزشکی شاهرود، شاهرود، ایران
دانشیار گروه راهنمایی و مشاوره، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه بجنورد، بجنورد، ایران

سکینه جمعه‌نیا^{id}

علی محمد نظری*^{id}

علی اکبر سلیمانیان^{id}

amnazariy@yahoo.com

ایمیل نویسنده مسئول:

پذیرش: ۱۴۰۰/۰۶/۱۵

دریافت: ۱۴۰۰/۰۳/۰۷

فصلنامه علمی پژوهشی
خانواده درمانی کاربردی

شاپا (الکترونیکی) ۲۴۳۰-۲۷۱۷

<http://Aftj.ir>

دوره ۲ | شماره ۳ | پیاپی ۷ | ۱۶۶-۱۹۱

پاییز ۱۴۰۰

نوع مقاله: پژوهشی

چکیده

هدف: پژوهش حاضر با هدف شناسایی مشکلات زوجین ترکمن از نظر زوج‌های ترکمن نگاشته شده است. **روش پژوهش:** این پژوهش به شیوه تحلیل محتوا کیفی بود. جامعه آماری این پژوهش کلیه زوجین ترکمن متقاضی طلاق ارجاعی دادگستری جهت صلح و سازش به مرکز مشاوره بودند که تعداد ۲۰ زوج بر اساس نمونه‌گیری هدفمند و معیار اشباع انتخاب و در پژوهش شرکت کردند برای گردآوری داده‌ها از روش مصاحبه نیمه ساختاریافته عمیق استفاده شد. **یافته‌ها:** بعد از تحلیل داده‌ها ۴ مقوله اصلی ناکارآمدی زوجی، ناکارآمدی فردی، شرایط زمینه‌ای و شرایط فرهنگی به دست آمد. ناکارآمدی زوجی با ۱۴ مقوله فرعی (عکس‌العمل زوجین در هنگام بروز اختلاف، ارتباط ناکارآمد، عدم همسویی و هماهنگی با یکدیگر، عدم کامروایی جنسی، بی‌وفایی، محرومیت عشق، بی‌توجهی به روابط خویشاوندی و دوستی، عدم ایفای نقش‌های زوجی، نقش مخرب خانواده‌ای اصلی، عکس‌العمل خانواده‌های اصلی در هنگام بروز اختلاف، عدم شفافیت و صداقت در رابطه، میزسازی ناکارآمد، نگرش منفی به آینده رابطه، بی‌توجهی و تفاوت در نگرش دینی) ناکارآمدی فردی با ۱ مقوله فرعی (ویژگی‌های شخصیتی مؤثر در طلاق) شرایط زمینه‌ای با ۲ مقوله فرعی (شکل‌گیری نامناسب ازدواج، عوامل اجتماعی مؤثر بر طلاق) و شرایط فرهنگی با ۱ مقوله فرعی (عوامل فرهنگی مؤثر بر طلاق). **نتیجه‌گیری:** بر اساس یافته‌های پژوهش می‌توان نتیجه گرفت که با تدوین بسته آموزشی مبتنی بر مشکلات زوجین ترکمن می‌توان در جهت بهبود زندگی زناشویی آن‌ها قدم‌های مؤثری برداشت.

کلیدواژه‌ها: زوجین ترکمن، ناکارآمدی زوجی، ناکارآمدی فردی، شرایط زمینه‌ای، شرایط فرهنگی

به این مقاله به شکل زیر استناد کنید:

درون متن:

(جمعه‌نیا، نظری و سلیمانیان، ۱۴۰۰)

در فهرست منابع:

جمعه‌نیا، سکینه، نظری، علی محمد، و سلیمانیان، علی‌اکبر. (۱۴۰۰). شناسایی شاخص‌های مشکلات زوجین ترکمن متقاضی طلاق. فصلنامه خانواده‌درمانی کاربردی، ۲(۳) پیاپی ۷: ۱۶۶-۱۹۱.

مقدمه

ازدواج یک واحد بنیادین اجتماعی و نشان‌دهنده نمایی کلی از ساختارها و سازمان‌های اجتماعی در هر فرهنگی است. زن و مردی که باهم ازدواج می‌کنند باید بتوانند خود را با نیم‌قرن تحولات اجتماعی و رشد و تغییرات متقابل یکدیگر تطبیق دهند (ثنایی ذاکر و باقر نژاد، ۱۳۷۸). در صورتی که احساس زوج‌ها نسبت به زندگی مشترک مطلوب باشد آن‌ها در رفاه، امنیت و سلامت خواهند بود و توانایی‌هایشان را افزایش می‌دهد (برادبوری، فینچن و بیچ، ۲۰۰۰). این رابطه در عین حال که می‌تواند صمیمانه‌ترین و راحت‌ترین رابطه ممکن باشد، می‌تواند شدیدترین صدمات ممکن را به اعضا وارد کند. در صورتی که ازدواج ناموفق باشد می‌تواند به توقف رشد شخصی و سرگردانی منجر شود. شکست در این رابطه می‌تواند به صدمه‌ها و جراحتهایی منجر شود که التیام آن‌ها به‌وقت زیادی نیاز دارد (نظری، ۱۳۸۶). محققان نشان دادند که تأثیرات منفی تعارض در تعامل‌های زوجین، با خشونت و درگیری مرتبط است (بوک والا، سوبین و زندانیوک، ۲۰۰۵). این ارتباط‌های مخرب یا تعامل‌های منفی بین زوج‌ها منجر به کاهش رضایت از رابطه و افزایش احتمال طلاق می‌شوند (دولت آبادی، ۱۳۹۶).

با توجه به دگرگونی‌هایی عمیق اقتصادی و فرهنگی در جامعه بزرگ‌تر و نیز تغییراتی که به‌تبع آن در شکل وظایف خانواده به‌ویژه وظایف سنتی زنان، پدید آمده است رابطه یادشده را دچار تغییراتی کرده است. تغییراتی که تأثیرات عمیقی در نقش‌ها و وظایف زن و شوهر در خانواده بر جای گذاشته است. به عبارت روشن‌تر، ازدواج سنتی که پیوند میان زن و مرد بر اساس نقش‌های ثابت (مرد نان آور-زن خانه‌دار) بوده در طول چند نسل دچار تغییر شده و امروزه بیشتر بر اساس توافق و گفتگوی میان اعضا تعریف می‌شود. در واقع شناخت خود و هویت خود در جامعه مدرن به‌صورت پروژه‌های بازاندیشانه درآمده و دیگر زن و یا مرد بودن از نظر هویت و وظایفی که ایجاب می‌کند معنای روشن و مشخصی ندارد (گیدنز، ترجمه صبوری، کاشانی، ۱۳۸۶). نظم هنجاری که در ازدواج حالتی تحمیلی پیدا می‌کرد و به‌صورت یک نظم باثبات و بادوام در طول زندگی ادامه می‌یافت، اینک حاکمیت خود را از دست داده و زنان به‌عنوان شخصیت‌های مستقل برای خود این حق را قائل‌اند که در مورد مسائل و موضوعات خانواده اظهار نظر نمایند. لذا گفتگو و مذاکره روشی منطقی برای تصمیم‌گیری در این زمینه است که هر یک از اعضای خانواده چه رابطه‌ای با دیگری داشته باشند و تا چه زمانی دو طرف حاضرند این نوع رابطه را ادامه دهند. از سوی دیگر دسترسی سهل و آسان به وسایل پیشگیری از بارداری و در نتیجه آن کنترل موالید به این معنی است که رابطه جنسی دیگر باهدفی مانند بازتولید نسلی معنا پیدا نمی‌کند، بلکه در این نوع رابطه لذت‌جویی و رضایت طرفین شرط برقراری رابطه است. از دیدگاه گیدنز، جهان شاهد بازتولید نسلی به معنی آزاد شدن زنان از قیدوبندهای سنتی است چراکه آن‌ها خود تصمیم می‌گیرند چه رفتاری در این زمینه داشته باشند (گیدنز، ترجمه صبوری، کاشانی، ۱۳۸۶). این وضعیت انتظارات زوجین را از هم دیگر از حالت پیش تعیین‌شده قبلی خارج کرده و زن و شوهر را به‌نوعی در برآوردن انتظارات و خواسته‌های یکدیگر با ابهامات اساسی مواجه نموده است. این ابهام به‌ویژه در درک خواسته‌ها و انتظارات زنان از سوی شوهرانشان بیشتر قابل مشاهده است (دولت آبادی، ۱۳۹۶).

با توجه به این که انسان موجودی است اجتماعی، اجتماع تأثیر شکل‌دهنده عمیقی بر ساختارهای روانی او دارد. روان‌شناسان امروزه به این نکته علاقه‌مند هستند که چگونه فرهنگ بر افراد تأثیر می‌گذارد و هویت فردی آن‌ها را شکل می‌دهد روانشناسی فرهنگی، بر این باور است که محتوای یک فرهنگ، تأثیری پایدار بر رفتار، احساسات و اندیشه‌ها می‌گذارد (خمسه، ۱۳۸۶). فرآیندها و ساختارهای روان‌شناختی هر فرد توسط تلاش فعالانه او در جهت هماهنگ کردن رفتارهایش با معانی و رفتارهای تجویز شده توسط فرهنگ او سازمان می‌یابد (گودرزی، ۱۳۸۵). روانشناسی میان فرهنگی نیز به شیوه تطبیقی فرهنگ‌ها را مطالعه می‌کند و شباهت‌ها و تفاوت‌های موجود در کارکردهای روان‌شناختی افراد را در گروه‌های مختلف بررسی می‌کند (بری و همکاران، ۲۰۰۳). قومیت یک پدیده فرهنگی است که بیان‌کننده احساس تعلق به اجتماعی است که اعضای آن ریشه‌های نیاکانی و تاریخی مشترکی را مفروض می‌دانند. اصلی‌ترین وجه تمایز یک قوم زبان است، اما مواردی نیز وجود دارد که در آن یک گروه قومی بر حسب زبان از بقیه جدا نمی‌شود. در هر حال، هر گروه قومی معمولاً بر مبنای یک نام مشخص، یک‌زبان مشترک، پاره‌ای مشترکات فرهنگی واقعی یا تخیلی و تصویری از نیاکان مشترک از اجتماعات دیگر تفکیک می‌شود (عبدالله، ۱۳۹۵).

بسیاری از جوامع در دنیای توسعه‌یافته و حتی در کشورهای در حال توسعه جوامع چند قومیتی هستند. کشور ایران جامعه‌ای است که چندگونگی و تنوع قومی زیادی دارد (ولید خانی وایمانی، به نقل از هداوند، ۱۳۹۶). با توجه به سرعت و شتاب کشور و تغییر نگرش‌ها و سبک زندگی از سنتی به صنعتی و با توجه به این که اقوام مختلف خصوصاً آن‌هایی که فرهنگ سنتی‌تری داشته‌اند با چالش‌های این تغییر بیشتر دست‌به‌گریبان شده‌اند. قوم ترکمن نیز با توجه به تغییر ساختار اجتماعی کشور از این قاعده مستثنی نیست و دست‌خوش تغییرات زیادی شده است که خانواده‌ها و زوجین را در بر گرفته است. با توجه به این تغییرات و کوچ فرهنگی قوم ترکمن به زندگی مدرن و اشتیاق آن‌ها برای زندگی شهرنشینی و به تبع آن تغییر سبک زندگی مشکلاتی را در زندگی زوجین این قوم به وجود آورده که متأثر از فضای فرهنگی و اجتماعی جامعه می‌باشد. این مشکلات با شدت بیشتری به تعارضات زوجین دامن می‌زند. میزان بالای طلاق و خصوصاً درخواست طلاق از سوی زنان ترکمن موج جدیدی از تغییر را ایجاد کرده و با توجه به ورودی‌های پرونده‌های خانواده به دادگستری رشد طلاق نسبت به گذشته افزایش چشم‌گیری داشته است؛ و این نشان از تغییر و شکافی بزرگ در زندگی مشترک زوجین ترکمن دارد. در صورتی که طلاق در این قومیت در سال‌های نه‌چندان دور پدیده‌ای بسیار منفور شمرده می‌شد و شاید سال‌ها طول می‌کشید تا طلاقی اتفاق بیفتد و در صورت وقوع آن را پنهان می‌کردند ولی این پدیده‌ای روزها با سرعت زیادی در حال افزایش است و مسائلی از قبیل ورود به فضای مجازی، استفاده بالای خانواده‌های ترکمن از شبکه‌های ماهواره‌ای خصوصاً شبکه‌های ترک‌زبان، عدم تمایل به سکونت مشترک با والدین همسر، عدم استقلال فکری و عاطفی از خانواده‌های مبدأ، عدم دخالت در انتخاب همسر، پایین بودن میزان تحصیلات و سن خصوصاً در روستاها، شاغل بودن مردان در شهرهای دور از محل سکونت خانواده و به تبع آن شکل‌گیری روابط خارج از ازدواج زنان (بر اساس آمارهای ۴ سال اخیر پرونده‌های طلاق ارجاعی از دادگستری به مراکز مشاوره) و تغییر انتظارات زوجین از

یکدیگر، عدم مهارت‌های زندگی و جابجایی نقش‌ها و مسئولیت‌ها مشکلاتی است که نیاز به بررسی بیشتر برای برون‌رفت از چالش‌های پیش رو خانواده‌ها و زوجین ترکمن دارد.

در زمینه مشکلات زوجین و اثرگذاری فرهنگی و قومیتی تحقیقاتی انجام‌شده است (هداوند و همکاران، ۱۳۹۶) به این نتیجه رسیدند که با کنترل تحصیلات، مدت‌زمان ازدواج، تعداد فرزندان، خانواده اصلی، تحصیلات همسر و وضعیت اقتصادی اجتماعی در مجموع بین سلامت روانی و ابعاد آن، حمایت اجتماعی و رضایت زناشویی برحسب قومیت تفاوت معناداری وجود نداشت؛ اما زنان قومیت مورد مطالعه در مؤلفه آزار جنسی تفاوت معناداری با یکدیگر داشتند (قاسمی، اعتمادی و احمدی، ۱۳۹۵) دریافتند که پیامدهای شناختی، عاطفی و رفتاری آسیب‌های ارتباطی زوجین و خانواده همسر، رابطه زوجین با یکدیگر و زندگی شخصی هر یک از زوجین را تحت تأثیر قرار می‌دهد و باعث کاهش سلامت جسمی و روحی هر یک از زوجین می‌شود (کوریتا، ساکس، بن آری، ۲۰۱۷) دریافتند که تعارضات بین فردی از روابط دوستانه زوجین جدایی‌ناپذیر است، در حالی که این مسئله به صورت بالقوه مخرب است، ولی می‌تواند اشتراک‌گذاری احساسات و افکار و احساس دوست داشتن را افزایش دهد (دیلون و همکارانش، ۲۰۱۵) پژوهشی باهدف بررسی منابع تعارض زناشویی در پنج فرهنگ (ایالات متحده، بریتانیا، چین، روسیه و ترکیه) انجام داده‌اند. در این پژوهش قبل از تحلیل، داده‌های گردآوری‌شده در زمینه چهار موضوع دارای نقش احتمالی در تعارضات زناشویی، بررسی شده‌اند. این چهار موضوع، امور جنسی، امور مالی، تقسیم‌کار و تربیت کودکان است که از میان این چهار موضوع، مواردی انتخاب‌شده‌اند که بیشتر با تفاوت‌های جنسی در روش‌های باورهای ارتباط دارند. در تمام فرهنگ‌ها، زنان بیشتر از شوهرانشان مشکلات را گزارش کردند. موضوع مهم دیگر محبت بود. نتایج نشان دادند یک عامل کلیدی در موفقیت یا شکست زناشویی، ممکن است محبت لازم برای حفظ این رابطه طولانی‌مدت و رابطه صمیمی همکاری برای تربیت فرزندان باشد؛ بنابراین تبیین نظری و ارائه مدلی کارآمد در زمینه تعارضات و مشکلات زناشویی در حوزه زوجین ترکمن با توجه به جمعیت بالای آن‌ها در شهرستان گنبد کاملاً محسوس است. این تحقیق به دنبال پاسخ‌گویی به این سؤال پژوهشی است:

۱. شاخص‌های مشکلات زوجین ترکمن چگونه است؟

روش پژوهش

پژوهش حاضر از نوع پژوهش تحلیل محتوا-کیفی است. تحلیل محتوا یکی از روش‌های پژوهش کیفی است که با تحلیل داده‌های کیفی و طبقه‌بندی آن‌ها سعی دارد تا به معنای درونی آله دست یابد (مایرینگ، ۲۰۰۰). در این روش طی فرایند طبقه‌بندی منظم کدها، مقوله‌های فرعی، مقوله‌های اصلی و الگوهای آشکار و پنهان مشخص می‌شود (الو و کینگنز، ۲۰۰۸؛ میرینگ، ۲۰۰۰). این روش سعی در درک معنا با کاهش داده‌های کیفی و طبقه‌بندی آن‌ها دارد، زیرا تحلیل محتوا، روشی مناسب برای به دست آوردن نتایج معتبر و پایا از داده‌های متنی برای ایجاد دانش، بینش جدید، ارائه حقایق و راهنمای عملی برای عملکرد است. در این روش، پژوهشگر از به‌کارگیری طبقات از قبل تعیین شده اجتناب می‌کند؛ و در اصل، این امکان را فراهم می‌کند که طبقات و نام آن‌ها از درون داده‌ها بیرون آید. بنابراین پژوهش‌گر بر داده‌ها تمرکز دارد تا بتواند

به درک و بینش دست یابد. ابتدا تحلیل داده‌ها با خواندن مکرر متن برای کسب بینش کلی انجام می‌پذیرد. سپس متون کلمه به کلمه خوانده می‌شود و کدها استخراج می‌شوند. این فرایند به‌طور پیوسته از استخراج کدها تا نام‌گذاری آن‌ها ادامه می‌یابد و سپس بر اساس شباهت‌ها و تفاوت کدها در داخل طبقات قرار می‌گیرند و در پایان به ازای هر مفهوم شواهدی از متن داده‌ها نقل‌قول می‌شوند (الو و کینگز، ۲۰۰۸). جامعه آماری در این پژوهش کلیه زوجین ترکمن متقاضی طلاق ارجاعی از دادگستری جهت صلح و سازش به مرکز مشاوره بودند که تعداد ۲۰ زوج بر اساس نمونه‌گیری هدفمند و معیار اشباع انتخاب و در پژوهش شرکت کردند.

ابزار پژوهش

۱. **مصاحبه نیمه‌ساختار یافته.** جمع‌آوری داده‌ها از طریق مصاحبه نیمه ساختاریافته عمیق انجام شد. در این روش، پژوهشگر فهرستی از پرسش‌ها یا صرفاً موضوع‌های اصلی پژوهش موردنظر را تهیه می‌کند که این فهرست، برگه راهنمای اصلی پژوهش خوانده می‌شود. برگه راهنمای مصاحبه صرفاً مشخص‌کننده موضوع‌هایی است که مصاحبه، آن‌ها را پوشش خواهد داد و مصاحبه‌گر، الزامی به رعایت ترتیب در مطرح کردن پرسش‌ها بر طبق برگه راهنمای مصاحبه ندارد. مصاحبه‌گر هم‌چنین می‌تواند علاوه بر آنچه در برگه راهنمای مصاحبه مطرح‌شده با توجه به پاسخ‌های مصاحبه‌شونده، پرسش‌های دیگری را نیز مطرح کند و یا به تفحص بیشتر در پاسخ‌های مصاحبه‌شوندگان بپردازد؛ در این نوع مصاحبه مصاحبه‌شونده نیز در پاسخگویی به این موضوع‌ها و پرسش‌ها از آزادی و اختیار کافی برخوردار است.

شیوه اجرا. پس از اخذ رضایت آگاهانه و کتبی از مشارکت‌کنندگان و توضیح اهداف پژوهش، مصاحبه رودررو در یکی از مراکز شهر گنبد که جزء مراکز معین دادگستری می‌باشد انجام شد. مصاحبه با دستگاه ضبط دیجیتال ضبط گردید. زمان مصاحبه بین ۴۵ تا ۶۰ دقیقه بود. ابتدا سؤالات دموگرافیک شامل (سن، میزان تحصیلات، مدت ازدواج، شغل و...) پرسیده شد و سپس سؤالات با یک سؤال کلی و باز «به نظر شما چه مشکلاتی رابطه شما را به این نقطه رساند؟» آغاز و سپس ترتیب سؤالات با توجه به شرایط مصاحبه‌شونده در روند مصاحبه، محدود و یا گسترش یافتند. روند سؤالات به‌گونه‌ای طراحی شده بود که بیشترین اطلاعات از زوجین به دست بیاید و در بخش‌هایی که نیاز به توضیح و روشن‌سازی بود از زوجین خواسته می‌شد تا مثال‌های بیشتری بیاورند. مصاحبه تا رسیدن به اشباع اطلاعات ادامه یافت به این معنا که اطلاعات جدیدی به داده‌ها اضافه نمی‌شد. بعد از انجام مصاحبه ابتدا با دقت به آن‌ها گوش داده و بعد از به دست آوردن دید جامع و کلی نسبت به آن‌ها همه مصاحبه‌ها نوشته شد. سپس مصاحبه‌های نوشته‌شده مطالعه و جملات و عبارات مهم مشخص و کدها بر اساس معانی گرفته‌شده از گفته‌های مصاحبه‌شوندگان کشف شد. سپس بر اساس شباهت‌ها کدها ادغام و دسته‌بندی گردید این روند تا مشخص شدن کدهای اولیه، مقوله‌های فرعی و مقوله‌های اصلی ادامه یافت.

برای اعتبار یابی یافته‌ها و بررسی کدگذاری داده‌ها از روش گوبا استفاده شد. این روش بر ۴ محور ارزش واقعی، کاربردی بودن، تداوم و مبتنی بر واقعیت بودن استوار است. در این پژوهش برای قابلیت اعتبار داده‌ها بعد از استخراج مقوله‌ها به شرکت‌کنندگان مراجعه شد و شرکت‌کنندگان مقوله‌های استخراج‌شده را تأیید

کردند. با تأیید مقوله‌های استخراج‌شده توسط شرکت‌کنندگان ارزش واقعی محقق شد هم‌چنین برای قابلیت اجرا پژوهشگر مجدداً با دو زوج دیگر مصاحبه نمود و یافته‌های جدیدی به‌دست نیامد. برای تعیین قابلیت ثبات و تداوم نیز سؤالات مشابهی در قالب‌های مختلف برای شرکت‌کنندگان مطرح شد که شرکت‌کنندگان پاسخ‌های همسان به سؤالات مشابه دادند. مبتنی بر واقعیت بودن پژوهش نیز بدین طریق حاصل شد که پژوهش خالی از هرگونه تعصب باشد. بدین منظور کدگذاری توسط متخصصین دیگری نیز انجام شد که مراتب مذکور تکرار شد. هم‌چنین به‌منظور بررسی صحت محتوای صورت گرفته و مفاهیم استخراج‌شده و بررسی ثبات مفاهیم، با دو زوج از مصاحبه‌شدگان مجدداً مصاحبه‌شونده گرفت. مراتب مذکور تکرار شد و یافته‌های جدیدی به دست نیامد.

یافته‌ها

مدت ازدواج زوج‌ها شامل: ۱۰ زوج ۵-۱ سال، ۵ زوج ۱۰-۵ سال، ۵ زوج ۱۵-۱۰ سال، میانگین سنی زوج‌ها ۲۸ سال، از نظر تحصیلات تعداد ۱۸ زوج تحصیلات ابتدایی، ۱۱ زوج تحصیلات راهنمایی، ۶ زوج دیپلم و ۵ زوج دارای مدرک لیسانس بودند.

جدول ۱. شاخص‌های توصیفی متغیرهای مدت ازدواج، تحصیلات و سن زوج‌ها

مدت ازدواج	تحصیلات	میانگین سن
۱-۵ سال (۱۰ زوج)، ۵-۱۰ سال (۵ زوج) و ۱۵-۱۰ سال	ابتدایی (۱۸ نفر)، راهنمایی (۱۱ نفر)، دیپلم (۶ نفر) و لیسانس (۵ نفر)	۲۸ سال

در جدول ۲ مقوله‌بندی و کدگذاری مربوط به مشکلات زوجین حاصل از مصاحبه نیمه ساختار یافته با زوج‌ها گزارش شده است. مقوله‌بندی و کدگذاری مربوط به مشکلات زوجین حاصل از مصاحبه نیمه ساختار یافته با زوجین بود که در ۱۱۴ کد اولیه، ۱۷ کفوله فرعی و ۴ مقوله اصلی شناسایی شد.

جدول ۲. متغیرهای تحقیق

مقوله اصلی	مقوله فرعی	کدهای اولیه	مثال‌هایی از جملات مصاحبه‌شوندگان
ناکارآمدی زوجی	عکس‌العمل زوجین در هنگام بروز مشکل و اختلاف	گفتگو در مورد مشکلات با خانواده و فامیل، عدم گفتگو درباره مشکل، قهر کردن، محدود کردن همسر با خانواده اصلی، پرخاشگری، مشاجره و نهایتاً قهر می‌رسیم.	خانم ۲۳ ساله می‌گوید هر وقت مسئله‌ای بین ما پیش می‌آید و در موردش صحبت می‌کنیم به مشاجره و نهایتاً قهر می‌رسیم.
		ترک خانه	آقا ۳۰ ساله می‌گوید همسر در تمام دعوای که برای ما پیش

می‌آمد منزل را ترک می‌کرد و به خانه پدرش می‌رفت.		
آقای ۳۲ ساله می‌گوید همسر از من حرف‌شنوی نداره و پیش خانواده‌اش منو تحقیر می‌کنه. هر کاری می‌کند می‌گه به تو ربطی نداره	عدم توجه و احترام، بددهنی و بی‌احترامی، تحقیر کردن همسر، سرزنش کردن، برجسته کردن نقاط ضعف، عدم گفتگو و یا گفتگوهای ناکارآمد، مقایسه کردن، عدم وجود صداقت، رابطه سرد و سطحی، بیان نکردن انتظارات و خواسته‌ها	ارتباط ناکارآمد
خانم ۲۶ ساله می‌گوید ۹ سال است ازدواج کردیم اصلاً نمی‌دانم همسر چقدر درآمد دارد. نمی‌دانم ساعت کارش چقدر است. به سؤالات من جواب نمی‌دهد.	عدم همکاری، عدم همسویی در افکار و باورها، عدم مشارکت در تصمیم‌گیری‌ها، بی‌اطلاعی از برنامه‌های یکدیگر، نظرخواهی نکردن، بی‌توجهی به تصمیمات یکدیگر، کمک گرفتن از بیرون به جای حل مسئله در درون رابطه زوجی.	عدم همسویی و هماهنگی با یکدیگر
خانم ۳۲ ساله می‌گوید وقتی نیاز جنسی دارم می‌رفتم کنارش به من توجهی نمی‌کرد. به احساسات من توجهی نمی‌کرد. زود انزالی داشت	اختلالات جنسی، عدم رعایت بهداشت، عدم درک صحیح از مراودات جنسی، فقدان معاشقه، باورهای و اسطوره‌های غلط جنسی، درخواست سکس مقعدی، عدم اعتماد به یکدیگر.	عدم کامروایی جنسی
آقا ۳۲ ساله می‌گوید هیچ‌وقت باهم صحبت نمی‌کردیم. حرف‌های منو نمی‌فهمید.	انتقام گرفتن از همسر، روابط عاطفی سرد و طولانی، جلب توجه همسر، عدم رضایت جنسی، جذابیت نفر سوم، ماهواره، فضای مجازی	بی‌وفایی
خانم ۲۶ ساله می‌گوید. به نیازهای جنسی من توجه نمی‌کرد فقط به فکر خودش بود. زن ۳۰ ساله‌ای می‌گوید: وقتی همسر مرا از پشت بغل می‌کرد و می‌بوسید من فکر می‌کردم مشکل جنسی دارد و اذیت می‌شدم.		
خانم ۳۱ ساله می‌گوید نمی‌تونم باهاش درد دل کنم. اگه دلم بگیره به حرفم گوش نمی‌ده و اگر غر بزدم کتک می‌خورم.	بیان نکردن احساسات و نیازها، وقت نگذاشتن برای همسر، عدم قدردانی، عدم تحسین و تمجید، عدم ابراز علاقه، کتک زدن، بی‌اعتنایی به انتظارات همسر، عدم ابراز کلامی و غیر کلامی محبت،	محرومیت عشق

نداشتن پیوند خویشاوندی و دوستی مناسب	نداشتن دوستان مشترک، روابط سرد با خانواده همسر، عدم حضور در دیدارهای خانوادگی، شرکت نکردن در جشن‌ها و مهمانی‌های خانوادگی، عدم پذیرش دوستان یکدیگر	آقا ۳۰ ساله می‌گوید. هر جابرم غر می‌زند. با دوستانم بیرون می‌روم همراهی نمی‌کند. در مهمانی‌ها شرکت نمی‌کند. خانم ۲۳ ساله می‌گوید. همسرم سالی یک‌بار هم‌خانه پدری من نمی‌آید. دوستان من را قبول ندارد و از همه ایراد می‌گیرد.
عدم ایفای نقش‌های زوجی	عدم تقسیم‌کار، ادامه معاشرت‌های مجردی، بیکاری، عدم پرداخت هزینه‌های جاری، عدم پذیرش نقش‌های زوجی، بی‌تفاوتی در امور جاری.	خانم ۱۶ ساله می‌گوید همسرم سرکار نمی‌رفت. هزینه‌های ما را پدرش می‌داد. من هر وقت دکتر می‌رفتم از خانواده‌ام پول می‌گرفتم.
نقش مخرب خانواده اصلی	دخالت در امور اقتصادی، دخالت امور تفریحی، دخالت در امور شخصی رفت‌وآمدها، نوع پوشش، محل سکونت، انتظارات نابجای مالی، انتظار عمل به خواسته‌های خانواده، مراقبت از طرف زوجین، حسادت به رابطه زوجین/مادر پسر مقایسه کردن منفی، شکایت مداوم از عروس، بزرگ نشان دادن اشتباهات در مقابل همسر و دیگران توهین و تحقیر /عروس و داماد، خانواده‌های مشکل‌دار، الگو گیری از رفتارهای خانواده اصلی	زن ۳۰ ساله‌ای می‌گوید: من احساس نمی‌کردم شوهردارم از کوچک‌ترین کارهای خانه مثل نون گرفتن تا تعمیرات با من بود من برای تعمیرات دنبال کارگر و اوستا می‌رفتم.
عدم شفافیت و صداقت در رابطه	در دسترس نبودن، بی‌عدم اطلاع از وضعیت مالی، متعهد نبودن به قول و قرارهای اول آشنایی، ازدواج پنهان، دروغ‌گویی، نادیده گرفتن نیازهای همسر	آقا ۳۷ ساله می‌گوید همسرم ازدواج را با دروغ شروع کرد سن واقعی خودش را نگفته بود. در مورد جهیزیه، دارایی خانوادگی دروغ گفته بود.

مرز سازی ناکارآمد	عدم مراقبت از حریم زوجی، وابستگی شدید به خانواده اصلی، دادن اجازه به دیگران برای دخالت کردن، بازگو کردن مشکلات برای خانواده، حمام می‌رود.	زن ۳۱ ساله‌ای می‌گوید: من برای حمام کردن هم باید از مادر شوهرم اجازه می‌گرفتم و او به همسرم می‌گفت زنت چقدر حمام می‌رود.
نگرش منفی به آینده رابطه	خستگی، غمگینی، تنهایی، نارضایتی، ترس، ناامیدی از آینده رابطه،	خانم ۱۹ ساله می‌گوید از ادامه زندگی می‌ترسم نمی‌دانم آینده‌ام چگونه خواهد بود هیچ برنامه‌ای ندارم. زن ۳۸ ساله کی گوید: جوانیم رفت ضرر کردم. زندگی را باختم.
عدم توجه و تفاوت در نگرش دینی و مذهبی	بی‌توجهی به اعتقادات مذهبی و اخلاقی یکدیگر، رعایت نکردن حریم محرم و نامحرم، عدم توافق در فعالیت‌های مذهبی، تفاوت‌های نگرشی به ارزش‌های دینی، تحمیل عقاید و دستورات مذهبی، بی‌اعتمادی به اعتقادات همسر	آقا ۲۹ ساله می‌گوید هر طور دلش می‌خواست لباس می‌پوشید. با مردها راحت برخورد می‌کرد و خوشم نمی‌آمد.
ناکارآمدی فردی	ویژگی‌های شخصیتی مؤثر در طلاق	بدخلق بودن، بددهن، سخت‌گیر و انعطاف‌ناپذیر، وابسته، افسرده، شکاک، بی‌مسئولیت، دهن بین، خودرأی و خودمحور، پرخاشگر
شرایط زمینه‌ای	ازدواج در سن پایین، عدم شناخت کافی قبل از ازدواج، ازدواج اجباری.	خانم ۲۰ ساله‌ای می‌گوید: از اول علاقه‌ای به او نداشتم با اصرار خانواده‌ام ازدواج کردم.
شکل‌گیری نامناسب ازدواج	شکل‌گیری نامناسب ازدواج	مرد ۴۳ ساله می‌گوید: هیچ شناختی قبل از ازدواج نداشتم و خیلی زود عقد کردیم و بعد فهمیدم چقدر به من دروغ گفته است.

عوامل اجتماعی مؤثر در طلاق	<p>اعتیاد، بیکاری، مشکلات مالی، شغل نامناسب، تحصیلات پایین خانم ۲۶ ساله‌ای می‌گوید: همسر من تا ظهر می‌خوابد وقتی به او می‌گفتم برو سرکار می‌گفت به تو ربطی ندارد. خانم ۳۰ ساله می‌گوید: ما بعضی روزها نون هم برای خوردن نداشتیم و پدرم برای ما غذا می‌آورد.</p>
شرایط فرهنگی مؤثر در طلاق	<p>عوامل فرهنگی مؤثر در طلاق سه طلاقه (گفتن سه بار طلاق در حضور دو نفر)، نداشتن مهریه (مبلغ بسیار کمی حدود ۵ تا ۱۰ میلیون که نقداً به خانواده دختر پرداخت می‌شود تحت عنوان بهاء دختر می‌باشد)، کرفه بودن (آخرین فرزند پسر که وظیفه مراقبت از والدین به عهده او می‌باشد)، یاشینماق (رو گرفتن عروس از مردان بزرگ فامیل)، تغییر پوشش سنتی زنان آقا ۲۵ ساله‌ای می‌گوید: خانواده من اولویت من است و من نمی‌توانم غیر از خانه پدری جای دیگری زندگی کنم. خانم ۳۵ ساله‌ای می‌گوید: برای بیان خواسته، انتظارات نمی‌توانم با پدر همسر صحبت کنم چون بی‌احترامی محسوب می‌شود. باهمسر نمی‌توانم تنها باشم ممکن است مادرش ناراحت شود. خانم ۲۷ ساله‌ای می‌گوید: همسر من شب‌ها باید کنار مادرش باشد او بخوابد بعد بیاید پیش من حتی با من غذا هم نمی‌خورد.</p>

با توجه به جدول بالا در نتیجه تحلیل محتوای مصاحبه‌های انجام‌شده در مرحله اولیه کدگذاری اولیه ۱۱۴ کد، در مرحله دوم ۱۷ و در پایان ۴ مقوله اصلی به دست آمد. مقوله‌های اصلی عبارت‌اند از: ۱) ناکارآمدی زوجی: عکس‌العمل زوجین در هنگام بروز مشکل و اختلاف، ارتباط ناکارآمد، عدم همسویی همراهی و هماهنگی با یکدیگر، عدم کامروایی جنسی، بی‌وفایی، محرومیت عشق، نداشتن پیوند خویشاوندی و دوستی، عدم ایفای نقش‌های زوجی، نقش مخرب خانواده‌های اصلی، عدم شفافیت و صداقت در رابطه، میزسازی ناکارآمد، نگرش منفی به آینده رابطه، بی‌توجهی و تفاوت در نگرش‌های دینی و مذهبی ۲) ناکارآمدی فردی: ویژگی‌های شخصیتی مؤثر در طلاق ۳) شرایط زمینه‌ای: شکل‌گیری نامناسب ازدواج، عوامل اجتماعی مؤثر در طلاق ۴) شرایط فرهنگی: عوامل فرهنگی مؤثر در طلاق است.

بحث و نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر باهدف شناسایی شاخص‌های مشکلات زوجین ترکمن از نگاه زوج‌های ترکمن در آستانه طلاق صورت گرفت. به این منظور دیدگاه زوجها در مورد مشکلاتشان با استفاده از روش تحلیل محتوی کیفی بررسی شد. بر اساس یافته‌های پژوهش ۴ مقوله اصلی ناکارآمدی زوجی، ناکارآمدی فردی، شرایط زمینه‌ای و شرایط فرهنگی، کشف شد؛ که هر یک از مقولات دارای مقولات فرعی بودند.

مقوله اصلی ناکارآمدی زوجی

این مقوله با ۱۳ مقوله فرعی: عکس‌العمل زوجین در هنگام بروز مشکل و اختلاف (گفتگو در مورد مشکلات با خانواده و فامیل، عدم گفتگو درباره مشکل، محدود کردن همسر با خانواده، قهر کردن، پرخاشگری، ترک خانه و لجبازی) با نتایج تحقیق (اسکرین، ربکا، ویوانو آدرینا ۲۰۱۴)، (حاتمی ورزنه و اسماعیلی، ۱۳۹۴)، (کوریتا ساکس، ۲۰۱۷)؛ ارتباط ناکارآمد (عدم توجه و احترام، بددهنی و بی‌احترامی، برجسته کردن نقاط ضعف، عدم گفتگو یا گفتگوی ناکارآمد، تحقیر کردن همسر، سرزنش کردن، مقایسه کردن، عدم وجود صداقت، رابطه سرد و سطحی و بیان نکردن انتظارات و خواسته‌ها) با نتایج تحقیقات، (موسوی، ۱۳۹۶)، (بهرامی و فتحی زاده، ۱۳۹۱)، (دیک، ۲۰۱۱)؛ عدم همسویی همراهی و هماهنگی با یکدیگر (عدم همکاری، عدم همسویی در افکار و باورها، عدم مشارکت در تصمیم‌گیری، بی‌اطلاعی از برنامه یکدیگر، نظرخواهی نکردن، بی‌توجهی به تصمیمات یکدیگر، کمک گرفتن از بیرون به جای حل مسئله در درون رابطه زوجی) با نتایج تحقیقات (امانی، ۱۳۹۴) (رسولی، ۱۳۹۶)، عدم کامروایی جنسی (اختلالات جنسی، عدم رعایت بهداشت، عدم درک صحیح از مراودات جنسی، فقدان معاشقه، باورها و اسطوره‌های غلط جنسی، درخواست سکس مقعدی و عدم اعتماد به یکدیگر) با تحقیقات موحد، عزیزی (۱۳۹۰)، (میلانی و فروتن ۱۳۸۷)؛ بی‌وفایی (روابط عاطفی سرد، جلب توجه، عدم رضایت جنسی، جذابیت نفر سوم، ماهواره و فضای مجازی) با تحقیقات (عجم و فتحی، ۱۳۹۵)، (سید علی تبار و پورآوری، ۱۳۹۴) محرومیت عشق (بیان نکردن احساسات و نیازها، وقت نگذاشتن برای همسر، عدم قدردانی، عدم تحسین و تمجید، کتک زدن، عدم ابراز علاقه، بی‌اعتنایی به انتظارات همسر و عدم ابراز کلامی و غیرکلامی محبت) با نتایج تحقیقات (بهرامی و فاتحی زاده، ۱۳۹۱)، سیلارس و همکاران (۲۰۰۸)؛ نداشتن پیوند خویشاوندی و دوستی (نداشتن دوستان مشترک، روابط سرد با خانواده همسر، عدم حضور در دیدارهای خانوادگی، شرکت نکردن در جشن‌ها و مهمانی‌های خانوادگی و عدم پذیرش دوستان یکدیگر) با نتایج تحقیقات (صفایی و وارسته، ۱۳۹۰)، (بازیار و پرچم، ۱۳۹۳)، (کوی، ۲۰۱۱)؛ عدم ایفای نقش‌های زوجی (عدم تقسیم کار، ادامه معاشرت‌های زوجی، بیکاری، عدم پرداخت هزینه‌های جاری، عدم پذیرش نقش‌های زوجی و بی‌تفاوتی در امور جاری) با نتایج تحقیقات (تالمین و هاسیو، ۲۰۰۴)، (بخشی پور و همکاران، ۱۳۹۱)، نقش مخرب خانواده‌های اصلی (دخالت در امور اقتصادی، دخالت در امور تفریحی، دخالت در امور شخصی، دخالت در نوع پوشش، دخالت در انتخاب محل سکونت، انتظارات نابجای مالی، انتظار عمل به خواسته‌های خانواده، مراقبت از طرف زوجین، حسادت به رابطه زوجین/ مادر پسر، شکایت مداوم از عروس، بزرگ نشان دادن اشتباهات در مقابل همسر و دیگران، توهین و تحقیر عروس/ داماد، خانواده‌های مشکل‌دار و الگوگیری از رفتارهای خانواده اصلی) با نتایج تحقیقات (قاسمی و

اعتمادی، ۱۳۹۴)، (محسن زاده و نظری، ۱۳۹۰)، (وارسته فر، ۱۳۹۰)؛ عدم شفافیت و صداقت در رابطه (بی‌اطلاعی از وضعیت مالی یکدیگر، متعهد نبودن به قول و قرارها، دروغ‌گویی، پنهان‌کاری) با تحقیقات (قزلسفلو، ۱۳۹۶)، (اولسون و السون ۲۰۰۱)؛ میزسازی ناکارآمد (عدم مراقبت از حریم زوجی، اجازه دخالت دادن به دیگران، بازگو کردن مشکلات برای خانواده)، با تحقیقات (گلادینگ، ۱۳۸۶)، (حاتمی ورزنده و اسماعیلی، ۱۳۹۴)؛ نگرش منفی به آینده رابطه (خستگی، غمگینی، تنهایی، نارضایتی، ترس، ناامیدی از آینده رابطه) با تحقیقات (قزلسفلو، ۱۳۹۶)، سیبلی، ۲۰۱۰؛ بی‌توجهی و تفاوت در نگرش‌های دینی و مذهبی (رعایت نکردن حریم محرم و نامحرم، عدم توافق در فعالیت‌های مذهبی، تفاوت‌های نگرشی به ارزش‌های دینی، تحمیل عقاید و دستورات مذهبی و بی‌اعتمادی به اعتقادات همسر) با نتایج تحقیقات (هراتیان و جان بزرگی، ۱۳۹۴)، (توسلی و همکاران، ۱۳۹۴)، (جمعه نیا، جاجرمی و قربانی ۱۳۹۷) همسو بودند.

در تبیین یافته‌های مقوله ناکارآمدی زوجی می‌توان بیان کرد که:

عکس‌العمل زوجین در هنگام بروز مشکل و اختلاف: به‌عنوان یکی از اصلی‌ترین عوامل تعارضات زوجی می‌تواند باشد. زوج‌های سالم تجربه تعارض را دارند (کریستین و جکوبسون، ۲۰۰۳)؛ (اسوین، ۲۰۰۳) به نقل از لانگ و یانگ ۲۰۰۷ زیرا هیچ‌یک از دو نفر فکر، احساس و رفتاری دقیقاً مشابه هم ندارد و وجود تفاوت‌ها در رابطه زوجی اجتناب‌ناپذیر است. تفاوت‌ها پیرامون تعریف مشکل اتفاق می‌افتد و دو عضو زوج در زمینه نشان دادن مشکل تفکر برای حل مشکل و نتایج مورد انتظار ناشی از راه‌حل برای مشکل، متفاوت از همسر خود عمل می‌کند. علاوه بر آن ارزش‌ها، علائق، ادراکات و رویاها در تعارض زوجی نقش دارند؛ بنابراین ناتوانی در حل این تفاوت‌ها به‌طور مؤثری منجر به کاهش صمیمیت و ازهم‌پاشیدگی رابطه می‌شود. ارتباط ناکارآمد: مقوله دیگر پژوهش است که به‌عنوان یکی دیگر از عوامل مؤثر منجر به طلاق می‌باشد. (اولسون و همکاران ۲۰۱۰) سه مفهوم کلیدی تعاملات زوجی زناشویی را در سه سازه انسجام (احساس نزدیکی هیجانی با فرد دیگر)، انعطاف‌پذیری (مقدار تغییر رخداد در رهبری روابط نقش و قواعد رابطه) و ارتباطات شفافیت، صراحت، مهارت‌های صحبت کردن، خود افشایی و مهارت‌های شنیداری معرفی و آن‌ها را در درک پویایی رابطه مهم قلمداد کرده‌اند. هم‌چنین (رابینسون ۱۹۹۱ به نقل از شام وی ۱۹۹۸) انواع توالی تعالی در روابط زناشویی عبارت است از عوامل بازشناسی سودمند ستایش و قدردانی همسران از یکدیگر به روش‌های کلامی و غیرکلامی، نظریات سازنده، تمجید و ستودن همسر برای کارهایی که انجام می‌دهد و برای چیزی که هست. توسعه خاطرات مشترک (به اشتراک‌گذاری خاطرات گذشته) فعالیت‌های هیجان‌انگیز (درگیری مشترک در فعالیت‌های لذت‌بخش) بازخورد (نظارت و ایجاد تغییر در الگوهای تعامل و ارتباط در ازدواج) گفتگوهای کوتاه (صرف زمان برای گفتگو باهمسر در مورد موضوعات کوچک) نتایج مطالعات یادشده نشان می‌دهد که عدم گفتگو، کناره‌گیری عاطفی، واکنش‌های سرد و منفی، برجسته کردن نقاط منفی یکدیگر، عدم توجه و احترام منجر به تعارضات زوجی می‌شود که می‌تواند در طول زمان به نارضایتی رابطه منجر می‌شود.

عدم کامروایی جنسی: مقوله دیگر پژوهش است. از آنجایی که رابطه جنسی نقش اساسی در روابط صمیمانه ناشی از ازدواج بازی می‌کند (هنریک و هنریک، ۲۰۰۰). مسئله عشق، صمیمیت و رابطه جنسی یکی از

مهم‌ترین عناصر متعالی یک زوج انسانی است. البته ممکن است رابطه جنسی بدون داشتن روابط صمیمانه و عاشقانه هم انجام شود ولی لذت‌بخش‌ترین رابطه جنسی همواره با عشق و صمیمیت همراه است. غالباً مشکل در رابطه جنسی مرتبط به مسئله صمیمیت آن‌هاست نه عوامل فیزیکی و جسمی (وینکزی، ۲۰۰۹؛ ترجمه نظری و احمدیان، ۱۳۹۴). مشکلات جنسی مانند سایر مشکلات ارتباطی، اغلب پیامد چرخه معیوب در سبک‌های عشق‌ورزی نامتعادل زوج، خصوصاً سبک‌های جنسی آنان است. (روگان و جنکینز، ۱۹۹۰). اغلب مشکلات جنسی متأثر از مسائل عاطفی زوج است نه این‌که حاصل مشکلات فیزیولوژیکی باشد. این مشکلات شامل تفاوت در ترجیحات جنسی در مورد زمان، مکان، چگونگی شکل عمل جنسی، طول یا وجود نوازش‌های قبل و بعد از رابطه، میزان شوق و نوع سبک ارتباطی به کار گرفته‌شده توسط هر عضو زوج می‌شوند (کارپل، ۱۹۹۳). اضطراب و نگرانی در مورد هر کدام از مشکلات، اطلاعات نادرست در مورد امور جنسی منجر به اختلال جنسی می‌شود. داو و (ویدرمن، ۲۰۰۰).

بی‌وفایی: مقوله دیگر پژوهش است که با توجه به شرایط فرهنگی و اجتماعی اثرات جبران‌ناپذیری بر رابطه زوجین دارد. در مطالعه زوجین هلندی دلایل گرفتار شدن در بی‌وفایی نیاز به صمیمیت، نیاز به تنوع در رابطه، استقلال عاطفی، برابری نقش جنسیتی برای زنان، نیاز به همدم، نیاز به تأیید شدن توسط دیگران عنوان شد (بانکس، ۱۹۸۰) و چهار عامل رابطه جنسی (رابطه تازه جنسی)، صمیمیت عاطفی (تفاهم، همدم طلبی، افزایش عزت‌نفس)، عامل عشق (دریافت مهر و محبت، عشق و عاطفه و دلباختگی)، انگیزه بیرونی (پیشرفت شغلی، افزایش حقوق، کسب مزایا و حمایت‌های اجتماعی - اقتصادی) توسط (گلاس و رایتس ۱۹۹۲) مطرح شد.

محرومیت عشق: مقوله دیگر این تحقیق است که در مطالعات و متون به عوامل صمیمیت عاطفی، ابراز‌گری، سازگاری، جنسی، حل تعارض و تعهد اشاره کرده است (وارینگ ۱۹۸۰). ابراز عاطفه، ستایش و تحسین نسبت به همسر، مؤدب بودن، قدردانی کردن به‌عنوان نکات مثبت رابطه عنوان می‌کند (بیلچر و همکاران ۱۹۷۵). در مصاحبه با زوجین و متخصصین به بیان نکردن احساسات و نیازها، وقت نگذاشتن برای همسر، عدم قدردانی، عدم تحسین و تمجید، کتک زدن، عدم ابراز علاقه، بی‌اعتنایی به انتظارات همسر، عدم ابراز کلامی و غیرکلامی محبت اشاره کردند. در تبیین این مقوله می‌توان بیان کرد که صمیمیت به‌عنوان یک فرآیند مهم در توسعه روابط دوستانه شناخته‌شده است ولی امروزه تغییرات تکنولوژی، فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی در این زمینه آن را تحت تأثیر قرار داده‌اند و در جامعه سنتی قوم ترکمن با توجه به تغییرات اجتماعی درخواست زوجین در زمینه عشق و صمیمیت نسبت به گذشته متفاوت شده است و زوجین خصوصاً زنان انتظار صمیمیت و عشق بیشتری را از همسران خود طلب می‌کنند. درحالی‌که در واژگان و اصطلاحات زبان ترکمن واژه‌های صمیمیت مانند دوستت دارم معادل ترکمنی ندارد و زوجین برای بیان این واژه از زبان فارسی استفاده می‌کنند

نداشتن پیوند خویشاوندی و دوستی مناسب: مقوله دیگر پژوهش است که اشاره دارد به ارتباط با دوستان و آشنایان و خانواده‌ها در جهت حفظ و ثبات رابطه (بهرامی و فاتحی زاده ۱۳۹۰). در متون نظری، مطالعات به مسائل خانوادگی (رابطه باهمسر، فرزندان، خانواده گسترده) ارتباط مناسب با خانواده هم‌دیگر

اشاره کرده‌اند (قزل‌سفلو ۱۳۹۶) در مصاحبه با زوجین و متخصصین به نداشتن دوستان مشترک، روابط سرد با خانواده همسر، عدم حضور در دیدارهای خانوادگی، شرکت نکردن در جشن‌ها و میهمانی‌های خانوادگی و عدم پذیرش دوستان یکدیگر اشاره کرده‌اند که این مقوله‌های فرعی در زیر مقوله اصلی نداشتن پیوند خویشاوندی و دوستی مناسب قرار گرفت.

عدم ایفای نقش‌های زوجی: مقوله دیگر پژوهش است که اشاره دارد به تقسیم و انجام وظایف و مسئولیت‌ها به وسیله زوجین. یکی از علت‌های طلاق نابرابری‌هاست که احتمالاً در تقسیم کار خانه وجود دارد. مقتضیات روزافزون کار و خانواده که با افزایش مشارکت زنان در بازار کار همراه شده نرخ طلاق را افزایش داده است. محققان معتقدند تصور در مورد تقسیم کار ناعادلانه نه تنها کیفیت ازدواجی زنان را کاهش می‌دهد بلکه فشار ناشی از نقش خانهداری موجب می‌شود به ازدواج ناخوشایند پایان دهند (فریسکو و ویلیامز، ۲۰۰۳)؛ همچنین ناسازگاری در زوجینی که فکر می‌کردند کارهای خانه به طور ناعادلانه‌تری توزیع شده بیشتر بود (راجرز و آماتو ۱۹۹۷). هم‌چنین در مصاحبه با زوجین و متخصصین به عدم تقسیم کار، ادامه معاشرت‌های مجردی، بیکاری، عدم پرداخت هزینه‌های جاری و عدم پذیرش نقش‌های زوجی را مطرح کردند.

عدم شفافیت و صداقت: این مقوله اشاره دارد به رفتارهای صادقانه باهمسر. در متون نظری، مطالعات به صداقت، متعهد بودن به قول‌ها، شفافیت در رابطه و وفادار بودن اشاره کرده‌اند (قزل‌سفلو، ۱۳۹۶) هم‌چنین در مصاحبه با زوجین و متخصصین به در دسترس نبودن، بی‌اطلاعی از وضعیت مالی، متعهد نبودن به قول و قرارهای اول آشنایی، دروغ‌گویی، نادیده گرفتن نیازهای همسر و پنهان‌کاری اشاره کرده‌اند.

عدم همسویی همراهی و هماهنگی با یکدیگر: مقوله دیگر پژوهش است. در متون مطالعات به اشتراک گذاری ایده‌ها، افکار و باورهای مهم، هم‌فکری و مشورت باهمسر اشاره می‌کند که باعث پویایی رابطه و افزایش رضایتمندی رابطه می‌شوند (حاتمی و ورزنده، ۱۳۹۴). در مصاحبه با زوجین و متخصصین به موارد (عدم همکاری، عدم همسویی در افکار و باورها، عدم مشارکت در تصمیم‌گیری، بی‌اطلاعی از برنامه یکدیگر، نظرخواهی نکردن، بی‌توجهی به تصمیمات یکدیگر، کمک گرفتن از بیرون به جای حل مسئله در درون رابطه زوجی) اشاره کردند.

نقش مخرب خانواده اصلی: مقوله دیگر این پژوهش است. با توجه به اینکه ارتباط بین زوجین و خانواده همسر می‌تواند به بهداشت روانی، تنوع در زندگی، رشد و بالندگی اجتماعی، برخورداری از حمایت‌های خویشاوندان، سبک‌باری، امنیت خاطر، بهره‌مندی از تجربیات بزرگ‌ترها و ایجاد تعادل در خانواده می‌انجامد، اما گاه بروز مشکلات و مسائل گوناگونی نظیر مداخله‌ها، حسادت‌ها، خودخواهی‌ها، سخن‌چینی‌ها، زخم‌زبان‌ها، حرمت‌شکنی‌ها، توقع بیش‌از اندازه از عروس داماد، تفاوت در طبقه اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی زوجین و خانواده همسر باعث می‌شود که یکی از طرفین ارتباط را قطع می‌کند (ایمانی، ۱۳۸۸) به نقل از حاتمی و ورزنده، ۱۳۹۴). هم‌چنین تعاملات نامناسب زنان و خانواده همسر، رابطه آن‌ها با شوهرشان را نیز تحت تأثیر قرار می‌دهد. شوهری که هم از طرف خانواده‌اش به خاطر روابط منفی بین همسر و خانواده‌اش تحت فشار مضاعف است ممکن است ناخواسته به طرفداری از یکی از طرفین بپردازد و یا با ناتوانی خود در حل کشمکش‌های همسر و خانواده‌اش نه‌تنها باعث بهبود شرایط نشود بلکه باعث تیره‌تر شدن روابط باهمسر

خود و حتی نابودی رابطه شود (قاسمی، اعتمادی و احمدی ۱۳۹۴). در خانواده‌های چند نسلی نظام رابطه و الگوهای تعامل هر دو تأثیر مستقیم و غیرمستقیمی روی روابط زناشویی در نظام دارند؛ بنابراین، درک و شناخت این روابط در نظام خانواده گسترده بخش مهمی از درک خاستگاه، مسیر و نتیجه نهایی تعارض زناشویی است.

رفتارهای تنش‌زای خانواده‌ی مبدأ و اشتراک محل کار و محل زندگی زوجین با خانواده‌ی مبدأ شرایط را برای تضعیف شدن هرچه بیشتر زوج فراهم نموده است (اکثرو بگیوم، ۲۰۱۲ به نقل از حاتمی و رزانه، ۱۳۹۴) و (باستانی، گلزاری و روشنی، ۱۳۹۰) بر نقش خانواده‌ها تأکید کرده‌اند و فرهنگ‌های مورد مطالعه آن‌ها آفریقایی‌ها، بنگلادش و ایران که همه جزء فرهنگ‌های جمع‌گرا است، در چنین فرهنگ‌هایی پیوند و وابستگی بین فردی با خانواده‌های اصلی دارای اهمیت است. از آنجایی که خانواده در بین اقوام ترکمن از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است هرچند نسل‌های جدید این جایگاه را مانند قبل نمی‌پذیرند. ولی خانواده‌ها به‌عنوان مرجع اصلی در تصمیم‌گیری‌ها و زندگی فرزندان خود تأثیر مستقیم دارند و نقش والدین خصوصاً مادر در این امر پررنگ‌تر و مؤثرتر می‌باشد. تا جایی که در برخی خانواده‌ها حتی نام‌گذاری و پرورش بچه‌ها را مادر بزرگ عهده‌دار می‌شود و با توجه به رشد آگاهی زنان از حقوق و جایگاه اجتماعی خود باعث تعارض بین زوجین می‌شود؛ و در اختلافات زوجی تصمیم نهایی با مادر خانواده می‌باشد تا جایی که ادامه زندگی مشترک منوط به رضایت مادر می‌شود.

میزسازي ناکارآمد: یکی دیگر از مقوله‌های پژوهش می‌باشد. در تعریف خانواده به‌عنوان یک سیستم سلسله‌مراتب زوجی را به‌عنوان سیستمی مجزا تعریف می‌کند که سلامت رابطه زوجی را حفظ می‌کند. به این معنا که زوج باید مرز یا مجموعه‌ای از سپرهای نامریی برای تضمین و حراست از محرمانه و خصوصی بودن صمیمیت رابطه‌شان شکل دهند. چنین مرزهایی زوج را یکپارچه می‌کند و اجازه دخالت و تخطی به رابطه را به خانواده‌های اصلی، کار و دوستان نمی‌دهد؛ بنابراین نبود این سپر مراقبتی رابطه زوج را با چالش جدی روبرو می‌کند (لانگ و یانگ، ۲۰۰۷؛ ترجمه نظری و خدادادی، اسدی، ناموران و صاحب‌دل، ۱۳۹۶). مرزهای نامشخص باعث فزون آمیختگی اعضا می‌شود و باعث می‌شود که منظومه زوجی نتواند استقلال خود را نسبت به خانواده‌های اصلی حفظ کند (گلادینگ، ۱۳۸۶) و از آنجایی که در فرهنگ مردم ترکمن خانواده‌های گسترده هنوز وجود دارند اثر و کارکرد آن‌ها در رابطه زوجی بسیار زیاد است و تقریباً خانواده با فرزندان خود مرز و حریم مشخصی را به لحاظ عاطفی و موارد دیگر ندارند. این عدم میزسازی‌ها خصوصاً در روستاها بیشتر به چشم می‌خورد هرچند که در شهرها نیز وجود دارد و تخطی از مرز اتفاق می‌افتد.

نگرش منفی به آینده رابطه: یکی دیگر از مقوله‌های پژوهش است که در تبیین آن می‌توان گفت متصور شدن آینده‌ای روشن برای رابطه به رفتارهایی که برای حفظ و داشتن ایده‌ها و طرح‌هایی برای آینده رابطه، استفاده می‌شود اشاره دارد (قرلسفلو، ۱۳۹۶). در متون نظری، مطالعات به معنای مشترک در زندگی زناشویی، داشتن طرحی برای آینده، داشتن هدف‌ها و ایده‌های مهم از قبیل. (آینده و موفقیت فرزندان، چگونگی مسیر مشترک زندگی و...) اشاره کرده‌اند (گاتمن و گاتمن، ۲۰۰۶). در صورتی که در مصاحبه با زوجین هیچ‌یک از آنان برنامه و طرحی مشترک برای آینده رابطه نداشتند و بیشتر نسبت به ادامه رابطه

ترس و تردید داشتند و به‌نوعی احساس خستگی و تنهایی برای ادامه مسیر در زندگی مشترک خود را بیان نمودند.

عدم توجه و تفاوت در نگرش دینی و مذهبی یکدیگر: یکی دیگر از مقوله‌های پژوهش است. با توجه به پررنگ بودن ارزش‌ها و باورهای دینی در فرهنگ ما و نقش آن در رضایت و ثبات زناشویی یکی از مؤلفه‌هایی که زوجین در تعارضات خود بیان کردند عدم توجه به باورها و ارزش‌های یکدیگر بود که زمینه بروز اختلافات و تعارضات را موجب می‌شود. این روزها با توجه به افزایش تغییرات فرهنگی و اجتماعی در حوزه‌های مختلف از جمله خانواده و به‌طور سنتی، مذهبی بودن به‌عنوان یک مانع طلاق در نظر گرفته شده است (کال و هتسون، ۱۹۹۷). همه مذاهب پیروان خود را در مورد ازدواج و طلاق راهنمایی می‌کنند و هیچ مذهبی طلاق را ترغیب نمی‌کند. دین در اغلب موارد نقشی میانجی دارد و در چنین شرایطی بر فرآیندهای فکری و ارزیابی رویدادهای روزمره فرد تاثیر می‌گذارد، به‌طوری که برخی پژوهشگران بر این باورند که به کمک باورهای دینی مقابله با هیجان‌ها و شرایط اجتماعی تسهیل می‌شود (دینر، کوکاس و اویشی، ۲۰۰۲). (اودری، ۱۹۷۱) کاهش پای‌بندی به ارزش‌های مذهبی و دینی را در افزایش طلاق مؤثر می‌داند و به نقش دین به‌عنوان عاملی در راه جلوگیری از طلاق اشاره می‌کند. به نظر او افرادی که ایمان مذهبی دارند، کمتر به طلاق روی می‌آورند تا آنان که چنین ایمانی ندارند. با تضعیف ایمان و عدم پای‌بندی‌های مذهبی در اکثریت افراد و تغییر ارزش‌ها میزان طلاق در جامعه افزایش می‌یابد؛ از این رو، نگرش مذهبی می‌تواند در ارتباط زناشویی مؤثر باشد، زیرا مذهب شامل رهنمودهایی برای زندگی و ارائه دهنده ما به باورها و آرزوهایست که این ویژگی‌ها می‌توانند زندگی زناشویی را متأثر سازند (هانلر و گنکوز، ۲۰۰۵). سالیوان، ۲۰۰۱؛ در مطالعه‌ای در زمینه نقش مذهب و ازدواج در دانشگاه‌های کالیفرنیا نتیجه گرفت که باورهای مذهبی بر خلاف سایر ملاک‌های زود گذر، اثر طولانی‌تری در تحکیم روابط زناشویی دارد. به نظر کانگر محرومیت اقتصادی تعاملات مثبت زوجین را کاهش می‌دهد و آن‌ها را به سوی ناسازگاری و طلاق سوق می‌دهد. بر اساس نظریه‌های بسیاری از جامعه‌شناسان از جمله وبر، زیمل، گیدنز و بردیو و بر خلاف نظر مارکس، امروزه تنها عامل اقتصادی نمی‌تواند تعیین‌کننده شیوه زندگی افراد باشد، بلکه عوامل دیگر از جمله سرمایه‌های مذهبی در سبک زندگی انسان مؤثرند (استوری، ۱۳۸۶). با مرور مطالعات پیشین مشخص می‌شود رابطه مذهب و خانواده همواره در سراسر جهان مورد توجه و پژوهش روان‌شناسان بوده است و در حوزه‌های خصوصی، مانند نگرش‌ها، هنجارها و خانواده هنوز ادامه دارد (مالمن و پیترسون، ۱۹۹۹؛ به نقل از یاکسین لو، ۲۰۰۹). پژوهش‌های متعددی موبد این نکته است که دینداری با اغلب مؤلفه‌های سبک زندگی، رضایت و شادکامی، هم‌چنین افزایش مشارکت کلامی، کاهش پرخاشگری و تعارض و اختلافات زناشویی، هیجانان و عواطف مثبت، مهربانی اعتماد به نفس رابطه دارد (نصرتی و ذوالفقاری، ۱۳۹۱)، (مولینز و همکاران ۲۰۰۱)، (ماوهونی، ۲۰۰۶) و (کیم ۲۰۰۱ به نقل از رسولی، ۱۳۹۱)؛ بنابراین توجه و هماهنگی بین نظام اعتقادی و ارزش‌های معنوی زوجین می‌تواند به‌عنوان یکی از عوامل اثر گذار در تداوم رضایت زناشویی مؤثر باشد.

ناکارآمدی فردی

دومین مقوله اصلی، ناکارآمدی فردی بود که با یک مقوله فرعی ویژگی‌های شخصیتی مؤثر در طلاق (بد خلق بودن، بد دهن، سخت‌گیر و انعطاف‌ناپذیر، وابسته، افسرده، شکاک، بی‌مسئولیت، دهن بین، خودرای و خومحور، پرخاشگر) با تحقیقات (شاهمرادی، فاتحی زاده و احمدی، ۱۳۹۰)؛ (یوسفی، عزیز، ۱۳۹۷)؛ (مسرت مشهدی، ۱۳۹۶)؛ (هولی و همکاران، ۱۹۸۷)؛ (کارنی و برادبری، ۱۹۹۵) همسو بود. ویژگی‌های شخصیتی مؤثر بر طلاق: یکی دیگر از مقوله‌های پژوهش، مقوله فرعی ناکارآمدی فردی است. در متون و مطالعات انجام‌شده ویژگی شخصیتی خاص (روان رنجوری، خصومت، غرور، عصبانیت، افسردگی، دل‌بستگی نایمن) را به‌عنوان عوامل خطر ساز طلاق عنوان می‌کنند (کارنی و برادباری، ۱۹۹۵) و (براملت و موشر، ۲۰۰۲). تحقیق روی ویژگی‌های شخصیتی خاص به‌عنوان عامل خطر ساز برای طلاق تمرکز و همگرایی نشان می‌دهد. روان رنجوری و خصومت، هم در مردان و هم در زنان باعث کاهش توانایی در کنترل تکانه‌ها شده و در مردان، باعث فقدان وجدان، سرسختی محدود و گرایش به عصبانیت می‌شود. روتن رنجوری و خصومت هم در مردان و هم زنان (کلی و کانلی، ۱۹۸۷)، ناتوانی در کنترل تکانه، مخصوصاً در مردان، (کلی و کانلی، ۱۹۸۷)؛ (توکر و همکاران، ۱۹۸۸)، فقدان وجدان، (کوردک، ۱۹۹۳)؛ (توکر و همکاران، ۱۹۹۸)؛ کمبود ثبات قدم و گرایش به عصبانی شدن (توکر و همکاران، ۱۹۹۸). در تحقیق سیکل زندگی ترمن که در آن افراد از کودکی تا پیری مورد پیگیری قرار گرفتند، افرادی که غیر قابل قبوا هستند (مثل آنهایی که عصبانی، مغرور و خودمحور هستند و همدردی و ملاحظت ندارند) بیشتر در معرض خطر طلاق هستند (توکر و همکاران، ۱۹۹۸). در مصاحبه با زوجین به افسردگی، شکاک، واکنش‌پذیری عاطفی، دهن بین، پرخاشگر، بد دهن اشاره کردند.

شرایط زمینه‌ای

سومین مقوله مربوط به شرایط زمینه‌ای با ۲ مقوله فرعی عوامل اجتماعی مؤثر بر طلاق (اعتیاد، بیکاری، مشکلات مالی، شغل نامناسب، تحصیلات پایین) با تحقیقات (فتحی و آزادیان، ۱۳۹۶)؛ شکل‌گیری نامناسب ازدواج (ازدواج اجباری، طول مدت ازدواج، سن ازدواج، عدم شناخت کافی قبل از ازدواج) با تحقیقات (محسن زاده و نظری، ۱۳۹۰)، (حاتمی ورزنده، اسماعیلی، ۱۳۹۴)؛ همسو بودند. شکل‌گیری نامناسب ازدواج: یکی دیگر از مقوله‌های شرایط زمینه‌ای پژوهش است. ازدواج در سن پایین، شناخت ناکافی قبل از ازدواج، ازدواج اجباری مقوله دیگر پژوهش است. طول مدت ازدواج به‌عنوان یکی از مؤلفه‌های عوامل جمعیت شناختی در مشکلات زوجین است. مطالعات نشان داده است که زوجین دارای سابقه ازدواج بیشتر مشکلات کمتری دارند (رحمت الهی، ۱۳۸۵) و زوجین مسن‌تر که از مدت ازدواج آن‌ها زمان زیادی گذشته است اختلافات کمتری در مقایسه با زوجین جوان تازه ازدواج کرده دارند (زیتلو و سیلارس، ۱۹۸۸). در تبیین این موضوع می‌توان گفت که با افزایش طول مدت ازدواج دخالت خانوادگی اصلی، مشکلات اقتصادی و تفاوت‌های فرهنگی که تجربه می‌کنند کمتر است و این امر می‌تواند در کاهش اختلافات زناشویی مؤثر باشد.

سن: مقوله دیگر این پژوهش است. اغلب محققان و پژوهش‌گران سن را به‌عنوان یکی از متغیرهای مهم رضایت زناشویی می‌دانند. به گفته کارلسون چون انتظارات و شیوه نگرش اشخاص در سنین مختلف فرق می‌کند و افرادی که دارای سنین متفاوت هستند دارای فرهنگ و اندیشه متفاوت خواهند بود، لذا تفاوت وسیع سنی تفاوت‌های فرهنگ و جهان بینی را به همراه خواهد آورد و بر بقای زوجیت و سعادت زناشویی تأثیر گذا خواهد گذارد. معمولاً ازدواج‌های زود هنگام، بیشتر قربانی طلاق بوده اند (گاتمن، ۱۹۹۴). با افزایش سن ازدواج میزان ناسازگاری زناشویی کاهش پیدا می‌کند. هم‌چنین مرکز کنترل و پیشگیری از بیماری‌ها و مرکز ملی آمارهای مربوط به سلامت، گزارش جامعی ارائه داد که در آن نرخ طلاق بر اساس مصاحبه‌های فردی با حدود ۱۱ هزار زن برآورد شده است که احتمال طلاق اول با طول مدت ازدواج و سن رابطه وجود دارد (براملت و موشر، ۲۰۰۲)؛ بنابراین می‌توان این‌گونه تبیین کرد، کسانی که در سنین پایین ازدواج می‌کنند هنوز در حال رشد هستند و ممکن است دچار تغییراتی شوند که غیر قابل پیش بینی است و هم‌چنین ممکن است این کار را به دلایل غلطی انجام داده باشند؛ مثلاً برای فرار از مشکلات عاطفی یا برای فرار از یک محیط خانوادگی ناخوشایند و یا این‌که ازدواج را یک مقوله رمانتیک در نظر بگیرند؛ و بیشتر روی ابراهای فیزیکی باهم بودن تمرکز داشته باشند. این قبیل زوج‌ها از مفهوم ازدواج و تلویحات آن در مورد در مورد تعهدات دراز مدت اجتماعی، عاطفی و ازدواجی درک کاملی به دست نیاورده اند (کلارک، ۱۹۹۵). افرادی که سن ازدواج بالایی دارند در حل مسائل زندگی‌شان عقلانی عمل می‌کنند و این افراد به یک حدی از پختگی عقلی رسیده‌اند و ناسازگاری نیز در بین آنان کمتر دیده می‌شود (مسعودی اصل، ۱۳۹۵) زیادی گذشته است.

شناخت ناکافی قبل از ازدواج: به‌عنوان یکی دیگر از مقوله‌های فرعی شرایط زمینه‌ای در پژوهش حاضر است. انسان‌ها غریبه‌هایی هستند که بدون عمق باهم آشنا می‌شوند. یک آشنایی سطحی یک آشنایی نسنجیده و بی قید منجر به ازدواجی است سطحی و بی قید و غیر مسئولانه (صادقی، ۱۳۸۹). متأسفانه نگاه سنتی برخی از خانواده‌ها فرصت آشنایی و بررسی شرایط فردی، اجتماعی و خانوادگی را از فرزندان خود می‌گیرند و این محدودیت‌ها در مناطق روستایی بیشتر به چشم می‌خورد و خانواده‌ها نگران نگاه اجتماعی مردم هستند به همین دلیل گاهی اوقات فرایند ازدواج از خواستگاری تا عقد کمتر از یک هفته است که در این فرصت کوتاه امکان شناخت برای زوجین وجود ندارد. هم‌چنین این تغییر ناگهانی از مجردی به تاهل چالش برانگیز و استرس آور است که می‌تواند اثر منفی در ادامه زندگی مشترک داشته باشد.

عوامل اجتماعی مؤثر در طلاق: با ۴ مؤلفه اعتیاد، بیکاری، مشکلات مالی، شغل نامناسب و تحصیلات پایین مؤلفه دیگر پژوهش است. در تبیین عوامل اجتماعی مؤثر می‌توان این‌گونه بیان کرد که: *اعتیاد، بیکاری، مشکلات مالی، شغل نامناسب و تحصیلات پایین* به‌عنوان مقوله فرعی عوامل اجتماعی مؤثر در طلاق است. در متون و مطالعات انجام‌شده زندگی در محله‌های فقیرنشین و درآمدهای پایین، تحصیلات پایین شغل نامناسب را عنوان کرده‌اند و در مصاحبه با زوجین اعتیاد، بیکاری، شغل نامناسب اشاره کردند. تحصیلات پایین به‌عنوان یکی از شاخص‌هایی نشان‌دهنده سازگاری بالاتر زوجین محسوب می‌شود مطالعات (هردستی، ۱۹۸۰) و (هاوسک نشت، ۱۹۸۱) به نقل از بنی جمالی و همکاران، (۱۳۸۳) تأیید کردند که زنان دارای

تحصیلات بالاتر از سازگاری زناشویی بالاتری برخوردارند. تحصیلات می‌تواند به‌عنوان یکی از مؤلفه‌های اثر گذار بر گستردگی و ارتقا شناخت افراد نقش مؤثری داشته باشد و به‌عنوان یک عامل میانجی قدرت سازگاری و مهارت‌های زوجی را در افراد بالا ببرد که همین موضوع نوع نگرش افراد را نسبت به زندگی تغییر داده می‌تواند کمک کننده باشد. اغلب دختران ساکن در روستاها به دلیل ازدواج‌های زود هنگام و همچنین عدم امکانات تحصیلی و بی‌انگیزه بودن والدین برای ادامه تحصیل دختران محدودیت‌هایی برای آن‌ها ایجاد می‌شود و غالباً تحصیلات به پایان مقطع ابتدایی ختم می‌شود در مصاحبه با زوجین از ۴۰ زوج ۳۰ زوج تحصیلات پایین‌تر از دیپلم داشتند.

مشکلات مالی: نیز یکی از عوامل مؤثر در تعارضات زوجین است. زن و شوهری که تحت فشار اقتصادی هستند به احتمال زیاد دارای مشکلات زیادی هستند این عامل فشار، تعارض‌های زناشویی و مشکلات آن‌ها را آشکار می‌سازد. در واقع سختی‌های اقتصادی قبل از هر چیز به فشارهای ذهنی منجر می‌شود و به تدریج خصومت بین زوجین را افزایش می‌دهد. فشارهای اقتصادی به تدریج خصومت بین زن و شوهر را افزایش می‌دهد؛ و با افزایش خصومت، گرما، صمیمیت و کیفیت خوب زناشویی کاهش یافته و رابطه بی‌ثبات می‌شود. کاهش درآمدها و تورم در ایران، موجب افزایش تنش‌ها و ستیز در داخل خانواده‌ها شده است و علی‌رغم آن که هنوز نگرش منفی نسبت به طلاق در جامعه وجود دارد، اما میزان آن رو به افزایش است. طلاق، نتیجه جامعه‌ای است که هیچ رابطه نرمالی بین درآمد و هزینه برقرار نکرده است. از سویی مانور تجمل در جامعه سر داده می‌شود و از سوی دیگر برنامه تعدیل اقتصادی ارائه می‌شود که موجب شکاف بین مطالبات و امکانات گردیده و معضلات اقتصادی منجر به افزایش طلاق شده است. به نظر می‌رسد برنامه تعدیل ساختاری از طریق تورم فزاینده و گسترش و تعمیق فقر، علاوه بر این‌که در کوتاه مدت، اثر از هم گسیختگی و طلاق را بر جای می‌گذارد، در بلند مدت آثاری بر نهاد خانواده می‌گذارد که بسیار عمیق‌تر است و بیشتر مرتبط با فرزندان است (بابایی، ۱۳۸۰). با توجه به شرایط اقتصادی جامعه و با توجه به کاهش منابع طبیعی و مکانیزه شدن کشاورزی در منطقه که قطب اصلی کشاورزی است نیروی کار کمتری را می‌طلبد بر این اساس بیشتر افرادی که تحصیلات پایین دارند برای امرار معاش از روستاها به شهر و به شهرهای بزرگتر مهاجرت می‌کنند و بیشتر به شغل کارگری مشغولند که درآمد بالایی برای خانواده محسوب نمی‌شود. با توجه به نیازهای مالی خانواده خصوصاً چشم و هم‌چشمی‌های زنان در نوع پوشش و تجمل‌گرایی بدون توجه به شرایط اقتصادی همسر خانواده را با چالش‌های جدی در این حوزه روبرو نموده است و تعارضات زوجین را دامن می‌زند.

شرایط فرهنگی

چهارمین مقوله اصلی شرایط فرهنگی بود که با یک مقوله فرعی عوامل فرهنگی مؤثر در طلاق (سه طلاقه (گفتن سه بار طلاق در حضور دو نفر)، نداشتن مهریه (مبلغ بسیار کمی حدود ۵ تا ۱۰ میلیون که نقداً به خانواده دختر پرداخت می‌شود تحت عنوان بهاء دختر است)، کرفه بودن (آخرین فرزند پسر که وظیفه مراقبت از والدین به عهده او است)، یاشینماق (رو گرفتن عروس از بزرگان فامیل)، تغییر پوشش سنتی زنان) در این مقوله تحقیقاتی انجام نشده بود.

در این مقوله با توجه به این‌که پژوهشی در خصوص مشکلات زوجین ترکمن و خصوصاً مؤلفه فرهنگی انجام نشده بود به داده‌های به دست آمده از پژوهش حاضر در مبحث تبیین مقوله‌ها پرداخته می‌شود. در تبیین مقوله شرایط فرهنگی در این مرحله از یافته‌ها به بررسی سهم هر یک از مؤلفه‌های شناسایی شده از طریق شرایط فرهنگی پرداخته می‌شود. هرچند مردم نسبت به رها کردن فرهنگ سنت‌ها و ارزش‌ها و آداب و رسوم خود برای قبول سنت‌ها و ارزش‌ها و رسوم تازه انعطاف‌ناپذیر و سخت‌گیرند، کمتر فرهنگی است که در طول تاریخ دچار دگرگونی‌هایی نشده باشد. بدیهی است روش‌ها و میزان این دگرگونی متفاوت است. هر جا که عناصر جدید و مجموعه‌هایی نو در فرهنگ ظاهر شود و بدین سان محتوا و ساخت فرهنگ را تغییر دهد. دگرگونی فرهنگی رخ می‌دهد (کوئن، ترجمه توسلی و فاضل، ۱۳۹۱). فرهنگ ترکمن نیز مستثنی از این تغییرات نبوده است و در طی سالیان اخیر به جهت دسترسی آسان به اطلاعات و تعامل بیشتر با فرهنگ‌های دیگر و همچنین افزایش سطح آگاهی خصوصاً در زنان باعث تغییراتی در برخی از متغیرهای فرهنگی شده است؛ و گواه این ادعا درصد بالای تقاضای طلاق از طرف زنان است. ولی با این حال برخی از مؤلفه‌های فرهنگی هم چنان باقی مانده است و دلیل تعارضات زوجین خصوصاً در جمعیت سنتی تر شده است. عوامل فرهنگی از جمله:

سه طلاقه: گفتن سه بار طلاق از طرف مرد در حضور دو شاهد، نیز یکی از مؤلفه‌هایی فرهنگی است که متأسفانه گاهی اوقات در شرایط نامناسب عاطفی هیجانی رخ می‌دهد و رابطه زوجین را به طلاق شرعی منجر می‌نماید که به تبعه آن طلاق قانونی قطعاً اتفاق می‌افتد و متأسفانه علیرغم نظر برخی از روحانیون که بیان این عنوان در هر شرایطی پذیرفته نیست بسیاری از خانواده‌ها حاضر به ادامه زندگی فرزندشان در این شرایط نمی‌باشند و اصرار به طلاق قانونی نیز دارند و بعد هیجانی و عاطفی رفتارها را کمتر مدنظر قرار می‌دهند.

نداشتن مهریه: مقوله دیگر فرهنگی است که با توجه به این‌که مبلغی در ابتدای ازدواج تحت عنوان بهاء دختر به خانواده دختر پرداخت می‌شود مورد دیگری ضمن عقد به‌عنوان مهریه وجود ندارد و طلاق از طرف مرد را به دلیل عدم تعهد مالی آسان می‌کند و اختلافات و تعارضات زناشویی منجر به طلاق می‌شود. کرفه: لقب آخرین فرزند خانواده است، در قوم ترکمن آخرین پسر وظیفه نگهداری از والدین خود را در منزل مسکونی پدری به عهده‌دارد و بعد از ازدواج در آن منزل سکونت دارد. این رسم باعث شده که بسیاری از دختران جوان در مورد ازدواج با پسر آخر خانواده دچار تردید باشند و از طرفی نیز سکونت مشترک با والدین و انتظارات خواسته‌های آنان مشکلاتی را برای همسران جوان پیش می‌آورد و بسیاری از مواقع در هنگام بروز اختلاف معمولاً زوج‌ها طلاق و جدایی را انتخاب می‌کنند به این دلیل که دیگر فرزندان نقش کمتری را در قبال والدین خود احساس می‌کنند.

یاشینماق: یکی دیگر از مقوله‌های پژوهش است. در بسیاری از موارد حتی فرصت دفاع از خود را ندارند. این رسم نیز در بسیاری از موارد مورد مصاحبه شرایط را خصوصاً در سکونت مشترک همسران با خانواده‌های اصلی دچار مشکل می‌کند. طبق این رسم و سنت خانم برای صرف غذا نیز نمی‌تواند در کنار خانواده و

همسر خود باشد که این مسئله به‌طور غیر مستقیم و واسطه‌ای می‌تواند از میزان صمیمیت زوجین کم نموده و بر روند زندگی زناشویی اثر مخرب تری داشته باشد.

تغییر پوشش سنتی زنان: نیز یکی از مقوله‌های این پژوهش است که با توجه به تغییرات اجتماعی و در دسترس بودن اطلاعات تغییر در بافت سنتی و همین‌طور پوشش زنان را نیز دست‌خوش تغییر کرده است که این موضوع از طرف بسیاری از خانوادها خصوصاً خانواده‌هایی که در روستاها زندگی می‌کنند و پای بندی به سنت‌ها و آداب و رسوم برای شان معنا دار و قابل احترام هست را دچار تعارض و چالش‌های جدی می‌کند زنان از یک طرف علاقه‌مند به تغییر در جهت تغییرات اجتماعی گسترده هستند و از طرفی آداب و رسوم محدودیت‌هایی را در این زمینه برای آن‌ها ایجاد کرده است که این اختلاف نظرها منجر به تقابل فرهنگ و تغییرات اجتماعی می‌شود که اثر تخریب‌کنندگی خود را بر رابطه زوجین می‌گذارد و در زنان مقاومت زیادی را ایجاد می‌کند. در پایان می‌توان نتیجه گرفت که به طلاق انجامیدن یک ازدواج اتفاقی ناگهانی نیست بلکه فرآیندی است که عوامل متعددی در طول این فرایند دست به دست هم می‌دهند تا فرآیندی بی‌سرانجام و تلخ را افراد تجربه کنند؛ و در بین زوجین ترکمن نیز عوامل شناسایی شده بسیاری از ازدواج‌ها را در قوم ترکمن به مرحله طلاق رسانده است. از محدودیت‌های پژوهش حاضر می‌توان به این موارد اشاره کرد که شخصیت پژوهشگر به‌عنوان مصاحبه‌گر، بر فرآیند مصاحبه‌ها اثر گذار باشد. همچنین این پژوهش در شهر گنبد و با ویژگی‌های جمعیت شناختی مذکور در توصیف نمونه، صورت گرفته است، بنابراین در تعمیم یافته‌های این پژوهش و کلیه پژوهش‌های کیفی با نمونه‌های دیگر باید احتیاط نمود؛ بنا بر این پیشنهاد می‌شود با توجه به این‌که این پژوهش نتیجه تحقیق در مورد قومیت ترکمن بوده است از نتایج در گروه‌های مختلف و قومیت‌های دیگر استفاده شود؛ همچنین پیشنهاد می‌شود آموزش‌های قبل ازدواج مبتنی بر شرایط فرهنگی و اجتماعی زوجین ترکمن طراحی و اجرا شود.

موازین اخلاقی

در این پژوهش به‌منظور جانبداری از حقوق آزمودنی‌ها و حفظ حریم خصوصی و انسانی آن‌ها ملاحظات زیر صورت گیرد.

- ✓ از تمام آزمودنی‌ها به‌صورت کتبی، رضایت حضور در پژوهش کسب شد.
- ✓ تمام اطلاعات تا پایان پژوهش به‌صورت محرمانه نزد پژوهشگر نگهداری شد.

سپاسگزاری

از همه زوجین که با صبوری و صادقانه در مصاحبه شرکت کردند و همچنین همکاران و متخصصین حوزه خانواده تشکر و قدردانی می‌شود. مقاله حاضر برگرفته از رساله دکتری نویسنده او بود که توسط معاونت پژوهشی دانشگاه آزاد اسلامی واحد بجنورد به تصویب رسیده بود. در تدوین این مقاله همه نویسندگان در طراحی، گردآوری اطلاعات، بررسی یافته‌ها، تحلیل داده‌ها، ویراستاری و نهایی سازی نقش یکسانی داشتند.

تعارض منافع

با توجه به اظهارات نویسندگان این مقاله هیچ تعارض منافی ندارد.

منابع

- استوری، جان. (۱۳۸۶). *مطالعات فرهنگی درباره فرهنگ عامه*. ترجمه حسین پاینده. تهران: نشر آگاه (انتشار اثر به زبان اصلی، ۲۰۰۷).
- امانی، رزیتا (۱۳۹۴). مقایسه تعارض زناشویی در ساختار قدرت خانواده. *فصلنامه فرهنگی تربیتی زنان و خانواده*، ۱۰ (۳۲): ۴۲-۵۲.
- بازیاز اصفهانی، نجمه، پرچم، اعظم، و فاتحی زاده، مریم السادات. (۱۳۹۴). مدیریت ارتباط با خانواده اصلی و خانواده همسر از دید مشاوره خانواده و اسلام، *فصلنامه فرهنگی تربیتی زنان و خانواده*، ۹ (۲۸): ۳۶-۷.
- بابایی، فاطمه، و مومنی، فرشاد. (۱۳۸۰). *تعدیل ساختاری فقر و ناهنجاری های اجتماعی*. تهران: انتشارات کویر.
- باستانی، سوسن، گلزاری، محمود، و روشنی، شهره. (۱۳۹۰). پیامدهای طلاق عاطفی و استراتژی های مواجهه با آن. *فصلنامه خانواده پژوهی*، ۷ (۲۶): ۲۴۱-۲۵۷.
- بخشی پور، باب اله، اسدی، مسعود، کیانی، احمدرضا، شیرعلی پور، اصغر، احمد دوست، حسین. (۱۳۹۱). رابطه عملکرد خانواده با تعارضات زناشویی در آستانه طلاق. *مجله دانش و پژوهش در روانشناسی کاربردی*، ۱۳ (۲): ۱۱-۲۱.
- بنی جمالی، شکوه، نفیسی، غلامرضا، و یزدی، منور. (۱۳۸۳). ریشه یابی علل ازهم پاشیدگی خانواده ها در رابطه با ویژگی های روانی - اجتماعی دختران و پسران قبل از ازدواج، *دست آوردهای روان شناختی*، ۱۱ (۱): ۱۷۰-۱۴۳.
- پاشیب، ملیحه، سیدمحرمی، ایمان، محمدی، سمیه، و تاتاری، مریم. (۱۳۹۵). تأثیر مشاوره پیش از ازدواج بر انتظار ازدواج دانشجویان علوم پزشکی. *مجله تنبین سلامت*، ۴ (۴): ۱۷-۱۰.
- ثنایی ذاکر، باقر، و باقر نژاد، رضا (۱۳۷۸). بررسی خیانت زناشویی در زوجینی که تمایل به طلاق دارند، *مجله دانش و پژوهش در روانشناسی*، ۱۵ (۳): ۷۸-۶۱.
- جمعه نیا، سکینه، جاجرمی، محمود، قربانی، علیرضا. (۱۳۹۷). شفقت خود و دینداری به عنوان پیش بین های حفظ رابطه زوجین، *مطالعات زن و خانواده*، ۶ (۲): ۲۷۷-۲۵۷.
- حاتمی ورزنده، ابوالفضل (۱۳۹۴). *تدوین الگوی ازدواج پایدار رضایتمند و بررسی اثربخشی برنامه مداخله ای مبتنی بر آن*، رساله دکترای تخصصی، رشته مشاوره، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، دانشگاه علامه طباطبایی.
- خمسه، اکرم. (۱۳۸۶). بررسی نقش عوامل فرهنگی اجتماعی بر طرحواره های نقش جنسیتی در دو گروه قومی از دانشجویان در ایران، *مجله مطالعات روان شناختی*، ۳ (۲): ۱۴۶-۱۲۹.
- رحمت الهی، فرحناز، فاتحی زاده، مریم. ف و احمدی، سیداحمد (۱۳۸۵). آسیب شناسی زندگی زناشویی، *تازه های روان درمانی*، ۴۱ و ۴۲: ۲۶-۸.

- رسولی، آراس. (۱۳۹۶). تدوین الگوی کارکرد خانواده بر اساس مؤلفه‌های امید، صمیمیت و تعارضات زناشویی زوجین، نشریه پژوهش پرستاری، ۱۲ (۴): ۸-۱.
- سیدعلی تبار، سیدهادی، پورآوری، مینو، حبیبی عسگرآباد، مجتبی، و محمدعلی پور، زینب. (۱۳۹۴). مقایسه نگرش به روابط فرازناشویی و جهت‌گیری مذهبی کاربران و غیرکاربران شبکه اجتماعی فیس‌بوک، فصلنامه خانواده‌پژوهی، ۱۱ (۳): ۳۰۸-۲۹۷.
- صادقی، محمدرضا، باقرزاده لداری، رحیم، و حق شناس، محمدرضا (۱۳۸۹). وضعیت نگرش مذهبی و سلامت روان در دانشجویان، دانشگاه علوم پزشکی مازندران، مجله علوم پزشکی مازندران، ۲۰ (۷۵): ۷۵-۷۱.
- عبدالله، عبدالمطلب. (۱۳۹۵). بررسی میزان توجه به مؤلفه‌های هویت قومی و ملی بین دانشجویان کرد و آذری در دانشگاه‌های تهران، فصلنامه پژوهش‌های راهبردی سیاست، ۴ (۲): ۱۴۶-۱۲۹.
- عجم، علی‌اکبر. (۱۳۹۵). تأثیر آموزش‌های مستقیم و غیر مستقیم ماهواره‌ای بر تعارض زناشویی و نگرش به خیانت زناشویی، دو فصلنامه مطالعات اسلام و روانشناسی، ۱۸: ۱۲۵-۱۰۱.
- فتحی، سروش، و آزادیان، عذرا (۱۳۹۶). بررسی تأثیر عوامل دموگرافیک در رضایت مندی زوجین ۳۵-۵۵ سال (ساکن در منطق ۳ و ۲۰ شهر تهران)، فصلنامه شورای فرهنگی اجتماعی زنان و خانواده، ۱۹ (۷۵): ۱۳۵-۱۱۱.
- فروتن، سیدکاظم، و جدید میلانی، مریم. (۱۳۸۷). بررسی شیوع اختلالات جنسی در متقاضیان طلاق، دو ماهنامه دانشور پزشکی، ۱۶ (۷۸): ۴۴-۳۹.
- قاسمی، سیمین، اعتمادی، عذرا، و احمدی، سیداحمد. (۱۳۹۵). شناسایی آسیب‌های تعاملی زوجین و خانواده همسر و پیامدهای آن: یک پژوهش کیفی. مجله تحقیقات کیفی در علوم سلامت، ۵ (۳): ۲۶۲-۲۵۰.
- قاسمی، سیمین، اعتمادی، عذرا، و احمدی، سیداحمد. (۱۳۹۴). رابطه تعاملات منفی بین زوجین و خانواده همسر با صمیمیت زوجین و تعارضات زناشویی در زنان، دو فصلنامه آسیب‌شناسی مشاوره و غنی‌سازی خانواده، ۱۱ (۱): ۱۳-۱.
- قزلسفلو، مهدی (۱۳۹۶). بررسی عوامل مؤثر بر تعهد زناشویی و مقایسه تأثیر مشاوره زوجی مبتنی بر این عوامل با مشاوره زوجی بر اساس واقعیت‌درمانی بر تعهد و رضایت زناشویی، رساله دکترای تخصصی مشاوره خانواده. دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، دانشگاه اصفهان.
- کلارک آلیسون، کرنلیا، و استوارت، برنتانو. (۱۳۸۹). طلاق علل و پیامدها. ترجمه سعید صادقی، مجتبی ناجی، محمدزاده محمود و نفیسه کریمیان. اصفهان: انتشارات پیغام دانش (انتشار اثر به زبان اصلی، ۲۰۰۶).
- کوئن، بروس. (۱۳۹۱). مبانی جامعه‌شناسی، ترجمه توسلی عباس، فاضل رضا، تهران: انتشارات سمت.
- گلدینگ، ساموئل. (۱۳۸۶). خانواده‌درمانی، تاریخچه، نظریه و کاربرد. ترجمه فرشاد بهاری، بدری السادات بهرامی، سوسن سیف و مصطفی تبریزی. تهران: انتشارات تزکیه (انتشار اثر به زبان اصلی، ۲۰۰۷).
- گودرزی، حسین. (۱۳۸۵). مفاهیم بنیادین و مطالعات قومی. تهران: انتشارات تمدن ایرانی (انتشار اثر به زبان اصلی، ۲۰۱۵).
- محسن زاده، فرشاد، نظری، علی‌محمد، و عارفی، مختار. (۱۳۹۰). مطالعه کیفی عوامل ناراضی‌تی زناشویی و اقدام به طلاق (مطالعه موردی شهر کرمانشاه). مطالعات راهبردی زنان، ۴ (۵۳): ۴۲-۷.

- مسرت مشهدی، زینب، و دولتشاهی، بهروز. (۱۳۹۶). بررسی اثر پذیری میزان سازگاری زناشویی از باورهای غیر منطقی، رویش روانشناسی، ۶ (۱): ۶۹-۸۴.
- مسعودی اصل، شبنم، و راد، فیروز. (۱۳۹۵). بررسی عوامل اجتماعی مرتبط با ناسازگاری زناشویی در شهر تبریز، مجله مطالعات جامعه شناسی، ۸ (۳۱): ۶۸-۴۷.
- موسوی، سید فاطمه. (۱۳۹۶). ابعاد کیفیت زناشویی: پیش بینی کننده های مؤلفه های تعامل و شیوه های حل تعارض زناشویی. دو فصلنامه مشاوره کاربردی، ۱۷ (۱): ۱۰۰-۸۱.
- موحد، مجید، و عزیزی، طاهره. (۱۳۹۰). مطالعه رابطه رضایت مندی زنان و تعارضات بین همسران (۱۳۹۰). مجله زن در توسعه و سیاست، ۹ (۲): ۲۰۶-۱۸۱.
- نصرتی، شیما، و ذوالفقاری، ابوالفضل (۱۳۹۱). تأثیر میزان دینداری بر سبک زندگی جوانان تهرانی، پژوهش اجتماعی، ۵ (۱۴): ۱۱۷-۱۰۱.
- نظری، علی محمد (۱۳۸۶). مبانی زوج درمانی و خانواده درمانی، چاپ اول، تهران: نشر علم.
- وینکزی، جان پی. (۱۳۹۴). بهبود ارتباط جنسی: رویکرد حل مسئله محور برای درمان اختلالات جنسی. ترجمه نظری، علی محمد و احمدیان، علیرضا. (۱۳۹۴). چاپ اول، تهران: نشر علم (انتشار اثر به زبان اصلی، ۲۰۰۹) هداوند، غزل، مهرابی کوشکی، حسینعلی، و یزدخواستی، بهجت. (۱۳۹۶). بررسی تأثیر قومیت بر سلامت روان، همسر آزاری، حمایت اجتماعی و رضایت زناشویی زنان، مجله مطالعات اجتماعی و روان شناختی زنان، ۱ (۲): ۸۱-۱۰۴.
- هراتیان، عباسعلی، جان بزرگی، مسعود، و آگاه هریس، مژگان. (۱۳۹۴). رابطه پابندی مذهبی و تعارض زناشویی و تفاوت آن‌ها در بین زوجین، پژوهش نامه اسلامی زنان و خانواده، ۳ (۵): ۱۱۷-۱۰۱.
- Brrll,,, Dikk HH, & Dijttt r,, Pittrrlll . (2011). iiiii tive illiii sss ttttt a rrr tnnr's personality and relationship quality. *Journal of Research in Personality*, 45(1), 37-43.
- Berry, John W, Berry, John Widdup, Poortinga, Ype H, Segall, Marshall H, & Dasen, Pierre R. (2003). *Cross-cultural psychology: Research and applications*: Cambridge University Press...
- Bookwala, J. Sobin, J. & Zdaniuk, B. (2005). Gender and aggression in marital relationships: A life-span perspective. *Sex Roles*, 52(11): 797-806
- Bradbury, Thomas N, Fincham, Frank D, & Beach, Steven RH. (2000). Research on the nature and determinants of marital satisfaction: A decade in review. *Journal of marriage and family*, 62(4), 964-980.
- Bramiett, M, D, and Mosher, W. D. (2002). Cohabitation, marriage, divorce and remarriage in the United States. National Center for Health Satitistic: Vital Health Statistics, 23(22)-
- Clarke, S, C. (1995). Advance report of final divorce statistics, 1989 and 1990. Monthly vital Statistics Report, 43(8), Hyattsville, Md: National Center for Health Statistics.
- Call, Vaughn RA, & Heaton, Tim B. (1997). Religious influence on marital stability. *Journal for the scientific study of religion*, 382-392.
- Coyne, James C, & Downey, Geraldine. (1991). Social factors and psychopathology: Stress, social support, and coping processes. *Annual review of psychology*, 42(1), 401-425.
- Diener, Edward, Lucas, Richard E, & Oishi, Shigehiro. (2002). Subjective well-being: The science of happiness and life satisfaction. *Handbook of positive psychology*, 2, 63-73.

- Dove, N., & Wiederman, M. (2000). Cognitive distraction and women's sexual functioning. *Journal of Sex and Marital Therapy*, 26, 67-78.
- Frisco, M. L., & Williams, K. (2003). Perceived housework equity, marital happiness, and divorce in dual-earner households. *Journal of Family Issues*, 24, 51-73.
- Hawes, P., & Markman, H. J. (1989). Marital quality and child functioning: A longitudinal investigation. *Child Development*, 60, 1044 – 1057.
- Hendrick, C. A., & Hendrick, S. S. (2000). *Close relationship: A sourcebook*. Thousand Oaks, CA: Sage Methods and Measures. New York: Guilford Press
- Glass, S. P., & Wright, T. L. (1992). Justifications for extramarital relationship: The association between attitudes, behaviors, and gender. *Journal of Sex Research*, 29, 361-387.
- Gottman, J. M., & Gottman, J. S. (2006). *Ten lessons to transform your marriage*. New York: Three Rivers Press.
- Gottman, J. (1994). *Why marriage succeed or fail: What you can learn from the breakthrough research to make your marriage last*. New York: Simon & Schuster.
- Kelly, E. L., & Conley, J. J. (1987). Personality and compatibility: A prospective analysis of marital stability and marital satisfaction. *Journal of Personality and Social Psychology*, 52, 27-40.
- Kurdek, L. A. (1993a). Predicting marital dissolution: A 5-year prospective longitudinal study of newlywed couples. *Journal of Personality and Social Psychology*, 64, 221-242.
- Lu, Yaxin. (2009). Religiosity and Chinese immigrants' marriage.
- Olson, David, DeFrain, John, & Skogrand, Linda. (2010). *Marriages and families: Intimacy, diversity, and strengths*: McGraw Hill.
- Peleg-Koriat, Inbal, Weimann-Saks, Dana, & Ben-Ari, Rachel) .(2017). The Relationship between Power Perception and Couple's Conflict Management Strategy. *Journal of Couple & Relationship Therapy*, 1-23.
- Scheeren, Patrícia, Vieira, Rebeca Veras de Andrade, Goulart, Viviane Ribeiro, & Wagner, Adriana. (2014). Marital quality and attachment: The mediator role of conflict resolution styles. *Paidéia (Ribeirão Preto)*, 24(58), 177-186.
- Shumway, Sterling T. (1998). *The Texas Tech Relationship Interaction Scale (TTRIS): development of a relationship interaction measure for couples*. Texas Tech University.
- Tucker, J. S., Kressin, N. R., Spiro, A., and Ruscio, J. (1998). Intrapersonal characteristics and the timing of divorce: A prospective investigation. *Journal of Social and Personal Relationships*, 15, 211-225.
- Udry, R. (1971). *Social control of marriage*. New York, 198.
- Zietlow, P. H. and Sillars, A. L. (1988). Life-Stage Differences in Communication During Marital Conflicts. *Journal of Social and Personal Relationships*, 5:223-245.

Identifying the indicators of the problems of couples seeking a divorce in Torkaman city

Sakineh. Jomenia ¹, Ali Mohammad. Nazari ^{*2}, Ali Akbar. Soliemanian ³

Abstract

Aim: The present research was written to identify the problems of couples of Torkaman city from the perspective of Torkaman couples. **Methods:** This research was a qualitative content analysis method. The statistical population of this study included all Torkaman couples seeking divorce referred to the counseling center by the judiciary for peace and reconciliation. Twenty couples were selected based on purposive sampling and saturation criteria and participated in the study. An in-depth semi-structured interview method was used to collect the data. **Results:** After analyzing the data, 4 main categories of marital inefficiency, individual inefficiency, underlying conditions, and cultural conditions were obtained. Marital inefficiency included 14 sub-categories (couple's reaction in the event of a dispute, dysfunctional relationship, lack of alignment and coordination with each other, lack of sexual intimacy, infidelity, deprivation of love, disregard for kinship and friendship, failure to play marital roles, and destructive role of families, reaction of families when there is a dispute, lack of transparency and honesty in the relationship, inefficient life stages, negative attitude towards the future of the relationship, inattention and difference in religious attitude). Individual inefficiency included 1 sub-category (effective personality traits in divorce). Underlying conditions included 2 sub-categories (Improper formation of marriage, social factors affecting divorce) and cultural conditions included 1 sub-category (cultural factors affecting divorce). **Conclusion:** According to the findings, it can be concluded that there will be effective steps taken to improve marital life by developing an educational package based on the problems of the couples in Torkaman city.

Keywords: *Couples in Torkaman, Marital Inefficiency, Individual Inefficiency, Underlying Conditions, Cultural Conditions*

1. PhD Student in Counseling Department, Bojnourd Branch, Islamic Azad University, Bojnourd, Iran

2. ***Corresponding Author:** Associate Professor, School of Nursing and Midwifery, Shahroud University of Medical Sciences, Shahroud, Iran
amnazari@yahoo.com

3. Associate Professor, Department of Counseling, Faculty of Humanities, Bojnourd University, Bojnourd, Iran